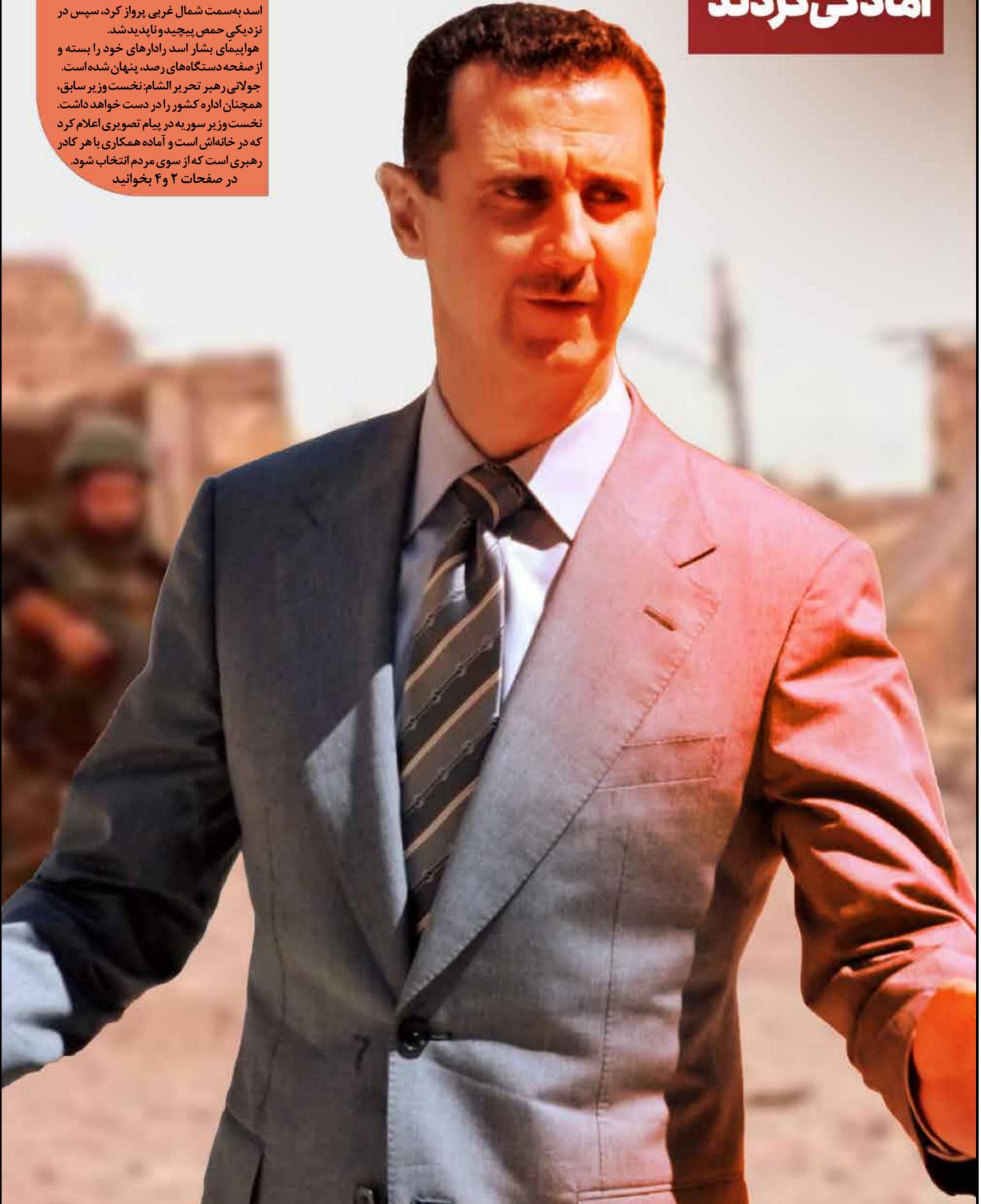


تَسَدُّ اسد شکست

تروریست‌ها برای دوستی و همکاری سوریه با رژیم صهیونیستی اعلام آمادگی کردند

در پی سقوط دمشق، رسانه‌های اسرائیل از ورود تانک‌های ارتش اسرائیل به قنیطره در بلندهای جولان خبر دادند. رادیو ارتش رژیم اسرائیل هم اعلام کرد که این رژیم عملیات نظامی خود را در منطقه حائل در قنیطره سوریه آغاز کرده است. وبگاه فلاپت رادار که در زمینه ردیابی هواپیماها فعالیت می‌کند، ادعا کرد: هواپیمای حامل بشار اسد به سمت شمال غربی پرواز کرد، سپس در نزدیکی حمص پیچید و ناپدید شد. هواپیمای بشار اسد رادارهای خود را بسته و از صفحه دستگاه‌های رصد، پنهان شده است. جولانی رهبر تحریر الشام: نخست وزیر سابق، همچنان اداره کشور را در دست خواهد داشت. نخست وزیر سوریه در پیام تصویری اعلام کرد که در خانه‌اش است و آماده همکاری با هر کادر رهبری است که از سوی مردم انتخاب شود. در صفحات ۲ و ۴ بخوانید



عصر
روزنامه اجتماعی اقتصادی
دوشنبه
۱۹ آذر ۱۴۰۳ • ۷ جمادی الثانی ۱۴۴۶ • 9 December 2024
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره چهارصد و هشتاد و سه
www.asrghanoon.ir

اسد چگونه اردوغان را کیش و مات کرد؟

۲ اسد با خالی کردن کشور و دادن سوریه به دست عناصر تکفیری و تروریستی، نه تنها جامعه سوریه را با واقعیتی جدید (هر چند به صورت موقت) مواجه کرد، بلکه در عرصه جهانی نیز دنیا با یک واقعیت جدید روبه‌رو شده است.

خون به دل مادران شهدای مدافع حرم

۲ عمل به اقتضای شرایط است. محکمت جمهوری اسلامی تغییر نمی‌کند. همان است که بودیم. کنار سوریه هستیم باز هم برای دفاع از مقاومت و حریم حرم و حرمت مردمسالاری.

مقاومت و تاریخ لرزان

۴ خوانش غیرایمانی و ملی‌اندیشانه و سیاسی از مقاومت، دوام و پایداری ندارد و چه‌بسا حتی در شرایط ساختگی و گلخانه‌ای نیز از دست برود؛ چنان‌که سقوط بشار، ناشی از تزلزل درونی قدرت او بود، نه قدرت مخالفانش.

در سوریه می‌مانیم

۴ آگاهی که شرایط آشفته و متغیر میدانی در سوریه می‌تواند به داعش فرصتی برای فعال شدن و برنامه‌ریزی برای عملیات خارجی بدهد. ما مصمم هستیم که با شرکایمان برای تضعیف توانمندی داعش همکاری کنیم.

نبود حاشیه امن برای فیلم‌های کمدی

۱ ما حتی برای ساخت فیلم‌های کمدی هم اگر تغییر تاکتیک ندهیم همان اتفاق فیلم‌های اجتماعی برای فیلم‌های کمدی رخ خواهد داد.

چرا با فضای مجازی مخالفم؟

۷ فضای سایبری خود یک حوزه درون محیط اطلاعاتی است. اصطلاح محیط اطلاعاتی به مجموعه افراد، سازمان‌ها، سیستم‌ها و نظام‌هایی گفته می‌شود که اطلاعات گردآوری، پردازش و توزیع می‌کنند و بر اساس اطلاعات اقدام می‌کنند

آیا سیاست ایران در مورد سوریه تغییر کرده است؟

محمد کوره پز

پیشروی سریع تروریست‌ها در حلب و حماه و... به چه معناست؟



۱. بی‌تردید مقصر اول اتفاقات اخیر سوریه را باید ارتش فاسد و ناکارآمد این کشور دانست که البته چندان هم موضوع عجیبی نیست. رزمندگان مدافع حرم خاطرات تلخی از ارتش بعثی سوریه در دوران مبارزه با تروریست‌ها دارند. از تسلیم خطوط به تروریست‌ها تا نفوذ عناصر جاسوس و حتی فساد اخلاقی و اعتقادی. طبیعی است که چنین ارتشی در برابر یک نیروی تکفیری که با عقیده ولو غلط در حال جنگ و قتال است نمی‌تواند کاری از پیش ببرد و دلیل اصلی عقب‌نشینی‌های مکرر ارتش عربی سوریه از حلب و حماه و ... همین است. این که می‌بینیم بشار اسد دستور افزایش ۵۰ درصدی حقوق ارتش را می‌دهد در واقع تلاشی برای تکان دادن این نظامیان است و ناگفته پیداست که این مشوق‌های مالی هم موفق نخواهد بود. البته معدودی از فرماندهان و نیروهای با غیرت ملی مثل ژنرال سهیل حسن را باید از این کلیت استثنا کرد.

۲. ایران و جبهه مقاومت در این ماجرا به هیچ وجه غافلگیر نشدند. برآوردهای اطلاعاتی از سه ماه پیش کاملا گویای این بود که تروریست‌های مستقر در ادلب در حال آمادگی برای حمله هستند. قبل از آن هم می‌دانستیم که به تعهدات ترکیه در سوچی و استانه نمی‌توان تکیه کرد و اردوغان ابایی از هزینه کردن تکفیری‌ها برای مقاصد خود ندارد. اما مشکل اینجاست که در سوریه تصمیم‌گیری نهایی با ایران نیست. لذا خطای محاسباتی دولت سوریه در بی‌توجهی به هشدارهای ایران را باید در نظر گرفت.

۳. قدری ریشه‌ای‌تر باید به موضوع نگاه کرد: ترکیب جمعیتی سوریه حدود ۷۵ درصد سنی، ۱۰ درصد مسیحی و تنها ۱۳ درصد شیعه علوی و اسماعیلی است. تمامیت‌خواهی و دیکتاتوری حزب بعث بشار در راه ندادن اهل سنت در ساختار حکومتی از یک طرف و فساد گسترده در بین علوی‌های حاکم از طرف دیگر، زمینه اصلی بحران ۲۰۱۱ و نیز اتفاقات فعلی است. (البته بالا کشیدن علویان در دوره حافظ اسد دلایل دیگری داشت که فعلا مجال توضیح این موضوع نیست) اما در جامعه‌ای با اکثریت سنی که از دیرباز با اسلام اموی و ضدشیعی خو گرفته‌اند و ترکیب فعلی صحنه، بزرگترین انگیزه‌ها را در اختیار عناصر تکفیری قرار می‌دهد تا بر روی گسل‌های موجود بحران آفرینی کنند. ایران با فهم صحیح از این مسئله به خوبی می‌دانست که پاکسازی سوریه و حتی شاید بتوان گفت آزادسازی ادلب پایان کار نخواهد بود و باید تغییرات ریشه‌ای در دستور کار قرار گیرد و گرنه هر لحظه امکان بازگشت معکوس وجود دارد.



اسد چگونه اردوغان را کیش و مات کرد؟!

کریم جعفری

بامداد دیروز سرانجام پس از ۱۱ روز پر خبر و حادثه، بدون آنکه ارتش سوریه بخواهد در برابر تروریست‌های تکفیری ترک‌تبار مقاومت کند، با ترک کشور توسط بشار الاسد و دستور فرماندهان زرخرید به حساب ارتش سوریه به یگان‌ها و نیروهای عملیاتی، تروریست‌های القاعده وارد دمشق شدند تا سوریه که ۱۴ سال پیش یکی از امن‌ترین و زیباترین کشورهای منطقه بود، به نام‌ترین و بدترین کشور منطقه تبدیل شود. ورود تروریست‌ها به دمشق نشان داد که یک همسایه بد، تا چه اندازه می‌تواند ویرانگر باشد؛ همسایه‌هایی که اگر حواسمان نباشد هر خیانت و جنایتی از آن‌ها سر می‌زند، از صدام گرفته تا اردوغان و سرکرده‌های برخی کشورهای منطقه‌ای در این دسته می‌گنجد.

باید در مورد سوریه و تحولات آن بسیار نوشت و ماجرای این کشور به این سرعت به پایان نخواهد رسید و ما در ابتدای بازی قدرت و جنگ و درگیری در سرزمین شام هستیم. اسد با ترک سوریه و خالی کردن میدان به تروریست‌های اردوغانی همه را کیش و مات کرد، حتی خود اردوغان را! شاید برای بسیاری این نکته‌های عجیب و غیرقابل توجیه باشد، شاید برای گروهی دیگر این هم یک توجیه است! اما اگر نگاهی به کنه ماجرا داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که اسد با خالی کردن کشور و دادن سوریه به دست عناصر تکفیری و تروریستی، نه تنها جامعه سوریه را با واقعیتی جدید (هر چند به صورت موقت) مواجه کرد، بلکه در عرصه جهانی نیز دنیا با یک واقعیت جدید روبه‌رو شده است.

دیدار دکتر لاریجانی با بشار اسد

علیرضا زاهدی

چند روز گذشته دکتر لاریجانی مجدداً در دمشق با اسد دیدار داشته است. نکته مهم در تحلیل‌های کسانی که مقامات نظامی و تصمیمات نظام را درباره تحولات اخیر سوریه نقد می‌کنند این است که سیاست متأثر از میدان و عزم نظام سیاسی سوریه پیش می‌رود. ارتشی باید باشد تا مستشار ایرانی همانند بحران ۲۰۱۱ وارد میدان شود.

ضمناً بحران سوریه سال ۲۰۱۱ شروع شد ولی حلب سال ۲۰۱۷ آزاد شد. اینکه شرایط زمانی و استعداد و توان مقاومت دقیقاً مانند سال ۲۰۱۱ باشد محل بحث است. در بدترین حالت با سقوط اسد، سوریه به محل امن تروریست‌ها تبدیل خواهد شد و نقطه آغاز و پراکندگی ناامنی برای کل منطقه خواهد بود. اولین کشورهایی که از سوریه ناامن آسیب می‌بینند ترکیه و عراق‌اند. ایران هم متضرر خواهد شد. اما بعید است دولت واحد تروریست‌ها در سوریه شکل بگیرد.

سوریه به دوران پیش از حزب بعث می‌رسد، هر گوشه کشور دست یک گروه و طائفه خواهد بود؛ معارضین و تروریست‌ها، کُردها، علوی‌ها.

این سوای چندپاره به نفع اسرائیل است. ترکیه و روسیه هم مناطق بندری سوریه و تسلط به مدیترانه برای آنها اهمیت دارد. با این حساب اگر با سقوط اسد ترکیه و روسیه به این توافق برسند، می‌توانند منافع خود را تا حدی تأمین کنند. تنها مساله در اینجا احتمال معامله سوریه با اوکراین است. همه این حالات و پیچیدگی‌ها که بخشی خبر و بخشی تحلیل است یعنی نه می‌توان تماشاچی وقایع سوریه بود و نه دست آنقدر باز است. سوریه یک گلوله مهم برای همه قدرت‌هاست، رهاپش نمی‌کنند.

از اشرف غنی تا بشار اسد

محسن دنیوی

۱۵ اوت ۲۰۲۱ یعنی سه سال پیش، دولت اشرف غنی که با حمایت کامل آمریکا در افغانستان بر سر کار بود، سرنگون شد و طالبان بعد از ۲۰ سال دوباره بر افغانستان حاکم شد. اتفاقی که با سرعت خیره‌کننده رخ داد و همگان به جای کلمه فتح شهرها، از عبارات کنایه‌آمیز دانلود شهرها برای نحوه فتح شهرهای افغانستان توسط طالبان استفاده می‌کردند. شهرها بدون هیچ مقاومتی تسلیم می‌شدند و خبری از ارتش نبود و اعضای دولت اشرف غنی فرار کردند و با ثروتی که برخی از قبل داشتند و بر آن افزوده بودند به خانه‌های خود در کشورهای مختلف اروپایی و آمریکایی رفتند.

جو بایدن، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده درباره این سقوط سریع اظهار داشت که اگر نیروهای افغان توانایی کنترل کشور را نداشتند، پس ادامه حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان «تغییری ایجاد نمی‌کرد»!

حالا با فاصله سه سال، بشار اسد بعد از ۲۴ سال حکومتش پایان یافت و تحریرالشام با همان سرعت شهرها را فتح کرد و به دمشق رسید.

اینجا هم ارتشی برای مقاومت نبود و مردم سوریه مثل مردم افغانستان از وضعیت ناراضی و از سقوط حکومت راضی بودند و رئیس‌جمهور و دولت عزمی برای ماندن نداشتند و مبارزان هم جدی و پاکار بودند!

پس اینجا هم بشار اسد مانند اشرف غنی سقوط کرد و این معادله تکرار شد که وقتی عزمی برای ماندن در راس حاکمیت نباشد و مردم ناراضی باشند و ارتشی مقاومت نکند و نیروی مبارز جدی در برابر دولتهای سست سوریه و افغانستان باشد، سرعت سقوط خیره‌کننده است حتی اگر آمریکا پشتوانه افغانستان باشد و یا روسیه و ایران پشتوانه سوریه بوده باشند!

حالا برخی این سوال را دارند که آیا این الگو در عراق و ایران هم تکرار خواهد شد؟

درباره ایران باید به این چهار سوال جواب داد:

آیا میزان نارضایتی مردم به حدی است که راضی باشند جریاناتی مانند طالبان یا تحریرالشام یا افرادی شبیه ریگی یا سازمان منافقین بر ایران مسلط شوند و یا نیروهای خارجی کشور را تصرف کنند؟

آیا ارتش و سپاه و بسیج هیچ مقاومتی نخواهد کرد؟

آیا مسئولان اصلی کشور چمدان به دست شده و به سرعت فرار خواهند کرد؟

با همین سوالات، ماه‌های پایانی پهلوی را مرور کنید. مردم معترض و مشتاق به رفتن شاه، جریان مبارز جدی و محکم برای ایجاد تغییر، ارتش واداده و ضعیف و شاهی که معروف به شاه چمدان به دست بود و برای سومین بار کشورش را ترک کرد!

اینجا هم در ۴۵ سال پیش، سرعت سقوط بالا بود و آمریکا و انگلیس و اسرائیل نتوانستند حکومت مورد حمایت و همراهی خودشان را نجات دهند و پهلوی تمام شد...

خون به دل مادران شهدای مدافع حرم

محسن مهدیان

سوریه سقوط کرد؛ اما برخی تحلیل‌ها به دل مادران و همسران شهدای مدافع حرم خون می‌کند. به این گزاره‌ها دقت کنید:

- اگر حاج قاسم بود چنین نمیشد

- خون شهدای مدافع حرم تضييع شد

- تعلل در وعده صادق باعث شد سوریه سقوط کند

- قطعه‌نامه ۵۹۸ تکرار شد

- به حرم حضرت زینب و حضرت رقیه ظلم کردیم.

به اینجا نیز ختم نمی‌شود. بالاخره یک سوال وجود دارد و آن اینکه رهبرانقلاب کجاست؟ و حالا ادامه اش:

- دولت پزشکیان مجدد خیانت کرد. تعلل کرد و تحمیل.

- اطرافیان رهبرانقلاب اطلاعات غلط می‌دهند

- علیرغم میل باطنی رهبری انقلاب یک برجام منطقه‌ای رقم خورد و متوجه نیستند که خواسته یا ناخواسته به رهبری انقلاب هم توهین می‌کنند.

به نظر شما شباهت همه این گزاره‌ها در چیست؟ ماجرا محتوا نیست. یک چیز ساده؛ اینکه همه در یک تئوتیت جا می‌شوند. ما با یک بیماری عمیق در رسانه‌های اجتماعی مواجهیم و آن تحلیل‌های تک خطه است. تحلیل‌هایی که باید در یک تئوتیت جا شود. این تحلیل‌ها چه ویژگی دارند؟ و چه ثمری؟

۱. باید فوری زده شود و اگر نه عقب می‌افتد. پس طبیعی است که نمی‌تواند جامع و متکی به جزئیات و مستندات باشد.

۲. اینکه باید کوتاه باشد پس نمی‌تواند مشروح باشد و مستدل. می‌شود قضاوت‌های گزاره‌ای.

۳. اینکه باید صریح و متفاوت باشد تا ساده و بدون فکر خوانده شود. پس می‌رود به سمت

تندی و درشت‌گویی.

۴. اینکه باید متکی به ترند باشد و لایک بگیرد.

پس پشت سر مخاطب می‌رود و نمی‌تواند پیشرو

باشد و روشنگر.

۵. باید وسط نباشد پس می‌رود به سمت

دوقطبی‌سازی دیو و دلبری.

این تحلیل‌ها همیشه هست اما در بزنگاه‌های تاریخی خون به دل خانواده‌های شهدا و مردم می‌کند. چون هیچ ثمره‌ای جز خط کشیدن

بر "راه طی شده" و "نامیدی از آینده" ندارد.

بیماری تحلیل‌های تک خطی، عجیب سندرم آزار دهنده‌ایست. در مکتب حاج قاسم میدان

و سیاست دو روی یک سکه است. قاتی غیر سلیمانی نیست.

ماجرا اینست که تحولات امروز دنیا خاصه در حوزه نظامی و میدان‌آقندر پیچیده است که با تحلیل‌های قطبی و ساده‌قابل قضاوت نیست. نقد کنیم و مطالبه. اما مسلط شویم بر ابزارش. هم محکمت جمهوری اسلامی را بشناسیم و هم جزئیات میدان را. و اگر نه در تمام بزنگاه‌ها گرفتار حیرت و تشویش می‌شویم. ثمره نهایی تحلیل‌های تک خطی، گیجی در میدان رسانه است. جمهوری اسلامی تغییر نکرده است. ما همانیم که بودیم. همچنان مدافع مقاومت و مخالف ظلم و مدافع حرم. اما صحنه



تغییر کرده است. ثمره خون شهدای مدافع حرم، امروز در بی‌ابرویی و بی‌حیثیتی رژیم صهیونیستی است که به اعتراف خودشان ماه‌هاست تنها برای موجودیت‌شان می‌جنگند. حمایت از این و آن برای تقویت مقاومت بود که شد. اگر ادامه آن مسیر میسر بود و ضرورت داشت، همچنان ادامه پیدا می‌کرد اما چنان نبود و چنین نشد. نه این اسد، آن اسد بود و نه شرایط سوریه مثل گذشته. معیار حق بودن جمهوری اسلامی این نیست که نعل به نعل گذشته عمل کند. معیار تصمیم درست نه تکرار گذشته است و نه عبور از آن؛ عمل به اقتضای شرایط است. محکمت جمهوری اسلامی تغییر نمی‌کند. همان است که بودیم. کنار سوریه هستیم باز هم برای دفاع از مقاومت و حریم حرم و حرمت مردمسالاری.

وقتی نظریه اسلامی در برابر فلسفه غرب قد علم می‌کند

سید جواد میری - رحیم محمدی - آیدین ابراهیمی

سید جواد میری با حضور در استودیوی پخش زنده برنامه سوفیا رادیو گفت‌وگو درباره فلسفه علوم اجتماعی و رابطه این علوم با حوزه فلسفه اظهار کرد: گاه فلسفه علوم اجتماعی به یک‌رشته تحصیلی اشاره دارد؛ اما آیا می‌توان امر و هستی اجتماعی را به روش علوم طبیعی مورد مطالعه قرار داد؟!

برخی معتقدند این کار شدنی است؛ به‌عنوان مثال همان‌طور که پدیده‌های طبیعی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم، با همان مند و روش می‌توان هستی انسانی را شناخت. اما در این بین سه گروه ذیل فلسفه علوم اجتماعی شکل می‌گیرد.

نخست‌همان رشته‌هایی هستند که به‌عنوان پوزیتیویسم شناخته می‌شوند و تأکید دارند با متدهای طبیعی می‌توان هستی اجتماعی را نیز مورد بحث و بررسی قرار داد.

نگاه دیگر فلسفه اجتماعی را بر اساس پراگماتیسم بررسی می‌کند؛ یعنی آن را به‌عنوان یک داده در نظر می‌گیرد و فارغ از بحث بر سر حق و حقیقت، صرفاً به نمایش داده‌ها توجه دارد. وی خوانش سوم را بر اساس تفسیر و تأویل مورد بحث قرار داد و افزود: مهم‌ترین مسئله در این جا، متدهای عمومی است که تشریح، تئوریزه کردن و آزمودن را در خود جای می‌دهد.

بحث کلیدی دیگر، جمع و فردگرایی است و شهید مطهری نیز در باب آن بسیار سخن به میان آورده است. نکته دیگر مبنای تاریخی نظریه‌ها و مفاهیم در علوم اجتماعی است و فلسفه علوم اجتماعی بر همین مبناست.

در این جا علوم طبیعی و علوم اجتماعی را در نظر می‌گیرند؛ ولی علوم اجتماعی که مبتنی بر جهان‌بینی علوم طبیعی است، صحیح می‌باشد که ریاضی و فیزیک و شیمی و... را مبنا و معیار قرار می‌دهند؛ ولی در این برنامه باید مبنای فلسفه علوم اجتماعی را در جهان سنجد.

نگاه اسلام در برابر نگاه افلاطون

میری در بخشی دیگر از مصاحبه با رادیو گفت‌وگو با اشاره به این که در دنیای غرب علوم اجتماعی را به‌عنوان علوم روحی می‌پندارند، گفت: این علوم با ظرفیت‌های انسان بر ستر تاریخ استوار است.

در تاریخ بشر تحولات بسیاری شکل گرفته؛ چون انسان را تنها موجودی می‌پندارند که توان خلق فرهنگ را دارد و یا به بیان علامه طباطبایی (ره) انسان موجودی است که اعتباریات را خلق کرده و منجر به پیچیده‌شدن جوامع بشری می‌شود. اما اگر این علوم را در ظرف تاریخ بنگریم، شاهد نیرویی برای شکل دادن به جهان مدرن هستیم که غربی‌ها آن را با مفهوم بورژوازی می‌شناسند که رابطه انسان با طبیعت و تاریخ را بر اساس اشرافیت در نظر نمی‌گیرد.

مثلاً در انقلاب فرانسه با طبقه اشراف، نجبا و پادشاهان روبه‌رو بودیم؛ ولی با ظهور نظام سرمایه‌داری طبقه‌های شکل گرفت که به هیچ یک از این سه متصل نبود؛ بلکه در حاشیه شهرها شکل گرفت و دست به تجارت و خریدوفروش زده و بازرگانی می‌کرد. به گفته میری از نگاه افلاطون پست‌ترین گروه، کسانی بودند که تجارت و بازرگانی می‌پرداختند؛ درحالی که در نگاه اسلامی، تجارت جایگاهی ویژه دارد.

اما بورژوازی وقتی اقدام به ساخت شهرها کرد و قدرت را در دست گرفت، به علاقت‌نیز پیدا کرد که در علوم اجتماعی شکل گرفته و تاریخ انسانی باید آن را به جوامع تحمیل می‌کرد.

وقتی پای علوم جدید به ایران باز شد

در ادامه رحیم محمدی، عضو انجمن جامعه‌شناسی روی خط ارتباطی رادیو گفت‌وگو حاضر و پاسخگوی برنامه سوفیا شد. وی با استناد به علوم اجتماعی ایرانی که پیچیدگی‌هایی خاص داشته و فاقد تاریخی یکدست است، افزود: حدود ۲ قرن پیش، ایرانیان به این نتیجه رسیدند که علوم جدید را فراگیرند؛ در آن دوران عباس میرزا - نایب‌السلطنه - در تبریز بود و قائم‌مقام فراوانی پدر به این نتیجه رسید که گویی در عالم علوم جدیدی پیدا شده که از سنخ علوم قدیمی نیست.

در آن دوران تصور می‌شد ایران عقب‌افتاده و دیگران پیش رانده‌اند و لذا تصمیم بر فراگیری علوم جدید گرفتند. پس سالانه تعدادی از جوانان مستعد ایرانی را برای آموختن این علوم به اروپا فرستادند.

محمدی یادآور شد: از آن دوران تا ۴۰ سال بعد، دارالفنون تأسیس شد و تا ۶۰ سال بعد از آن نیز دانشگاه تهران شکل گرفت. در دوران انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی رخدادی بزرگ در حوزه علوم اجتماعی در ایران رقم خورد که همانا انقلاب فرهنگی بود و نوعی گسیختگی در تاریخ فلسفه و جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی پدید آمد.

در پی انقلاب فرهنگی، دانشگاه‌ها عملاً تعلیق شدند که تا مهر ۶۳ ادامه یافت و مهم‌ترین عنصر در ذهن کنش‌گران انقلاب فرهنگی، بی‌فایده‌بودن دانشگاه موجود، علوم انسانی و علوم اجتماعی بود؛ چرا که این علوم را تماماً غربی می‌دانستند.

وی افزود: ما علوم انسانی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و اقتصاد را اسلامی می‌خواستیم و این گسست موجب شد با پدید آمدن انقلاب فرهنگی، نوعی تحول ایجاد شود.

انقلاب فرهنگی و پاکسازی دانشگاه

محمدی با اعتقاد بر اینکه در پی انقلاب فرهنگی پروژه حرکت علم در کشور ما متوقف شده بود، افزود: بر اساس سیاست وحدت دانشگاه و حوزه، نهادهای علمی دانشگاهی پاکسازی شد و جذب هیئات علمی اتفاق افتاد و سیاست جدیدی برای جذب دانشجویان در نظر گرفتند.

بسیاری متون و دانشجویان و نیز اساتید، از دانشگاه بیرون ریخته شدند؛ بنابراین گویا دریافت و تصور جدیدی از علوم جدید و علوم اجتماعی در دانشگاه پدید آمد.

پس اگر در دوران عباس میرزا، تصور می‌شد علت عقب‌ماندگی، فقدان علوم جدید است، در جایی از تاریخ به این باور رسیدیم که علوم جدید ما را بیشتر عقب رانده است؛ اما چرا ایرانیان در مقطعی از تاریخ به آن نتیجه رسیدند و در ادامه دریافتند که چنین دانشگاه و علوم را نمی‌خواهند؟!

این استاد دانشگاه به رادیو گفت‌وگو گفت: با تعطیلی دانشگاه حوزه علمیه و علوم قدیمه جایگزین علوم جدید شده و علوم قدماهی و حوزه، پشتوانه نظم سیاسی و تدبیر امور کشور قرار گرفت.

اماد حاشیه آن، تحول پروسه علم اتفاق افتاد که فرایندی تاریخی و غیرارادی است و اندکی تحت تأثیر تحولات جهان می‌باشد؛ اما پروژه علم، یک پدیده رسمی و حکومتی بود و حکومت نتوانست تاریخ علوم جدیده ادامه یابد.

از آن‌پس بدبینی به توسعه و رشد شکل گرفت؛ چون رشد و

مقاومت و تاریخ لرزان

«دلیل» می‌طلبد و آن دلیل، باید ریشه در «ایمان دینی» داشته باشد تا شهادت، معنا یابد. دولت و ارتش سوریه، با چنین معانی و معارفی، بیگانه بودند و از این جهت، قدرت مقاومت نداشتند. دلیل مقاومت، یعنی درحالی که ارتش سوریه، ناتوان و عاجز است، سپاه قدس ایران، وارد میدان می‌شود و در جغرافیایی دیگر، حماسه تاریخی می‌آفریند. این کنش تاریخی، برآمده از همان دلیل قدسی و معنایی و هویتی است که در ایران و یمن و عراق و حزب‌الله لبنان و فلسطین به چشم می‌خورد، اما در دولت و ارتش سوریه، اثری از آن نبود. این فقدان، امروز در یک «صحنه بی‌نبرد»، خویش را نمایان کرد. وقتی پای دلیل هویت‌بخش و معنا‌آفرین در میان نباشد، کاری از دولت و ارتش ساخته نخواهد بود و ساختارهای ظاهری، به تکانه‌ای زوال خواهند یافت.

اسوم. ایران یکی از اقمار سیاسی خویش را در جبهه مقاومت از دست داد، اما این وضع، حاصل شرایطی بود که در اراده ایران نبود. ما همه شرایط را نمی‌سازیم و تعیین نمی‌کنیم و نمی‌توانیم به یک دولت - ملت دیگر، اراده خویش را تحمیل نماییم. این امکان‌ها و بضاعت‌های طرف مقابل است که مسیر را بر هم‌افزایی ما می‌گشاید. زنجیره‌ای از ضربه‌های سخت و کاری در ماه‌های اخیر شکل گرفته است که می‌خواهد ریشه‌های مقاومت را از خاک بیرون افکند. این یعنی نزاع تاریخی، به نقطه اوج خویش رسیده و جبهه مقابل، می‌خواهد داستان زوال خویش را به افسانه تبدیل کند. ما امکان تعیین‌کننده‌ای را از دست دادیم، اما همچنان امکان‌های مهم دیگری را نیز در اختیار داریم و بازی، تمام نشده است. اینجا، نقطه پایان نیست و این داستان، صحنه‌های دیگری نیز خواهد داشت. بیش از همه، آنچه که اهمیت دارد این است که ایران، همچنان یک هسته سخت الهام‌بخش و مولد برای ایدئولوژی مقاومت است. ممکن است مقاومت در سراسری قرار



توسعه مبتنی بر علوم انسانی و دانشگاهی بود؛ ولی وقتی به این نتیجه رسیدیم که علوم دانشگاهی مختص بیگانگان بوده و به درد ما نمی‌خورد، عملاً پروژه توسعه هم متوقف شد.

محمدی مدعی شد رفتارته به این نتیجه رسیدیم که حتی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ که خود، آن را نوشته‌ایم، به درد نمی‌خورد و آن را کنار گذاشتیم؛ چون در واقع نظام سیاسی و اندیشه‌های رسمی ما پروژه علم را قبول نداشت و توقف این پروژه، منجر به توقف پروژه توسعه شد و از این‌رو الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت را جایگزین آن کردند.

وضعیت علوم اجتماعی در ایران

همچنین آیدین ابراهیمی، عضو انجمن جامعه‌شناسی در ارتباط زنده تلفنی با رادیو گفت‌وگو با بیان این که علوم اجتماعی گویی علمی است که چیستی و چرایی آن مشخص نیست و فلسفه قصد روشن‌سازی آن را دارد، اظهار کرد: فلسفه علمی است که توانایی تبیین کنش‌های انسانی را داراست.

از این‌رو از دل فلسفه علوم اجتماعی، مکاتبی خارج می‌شود که روش‌های تحلیلی و پژوهشی را تبیین می‌کند.

وی درباره نسبت فلسفه اجتماعی با جامعه ایران گفت: اصولاً مکاتب هستند که نظریه و روش‌ها را به وجود می‌آورند؛ یعنی یک مکتب داریم که حاصل آن پژوهش درباره یک جامعه است. ایران در ۲۰۰ سال اخیر احساس عقب‌ماندگی می‌کرد و تجربه مواجهه با غرب برای آن نسل جدید بود و می‌خواست به نقطه مطلوب توسعه‌یافتگی دست یابد.

ابراهیمی به رادیو گفت‌وگو گفت: از روزی که علوم اجتماعی به وجود آمد، تحت سنت‌هایی خاص قرار گرفت. مثلاً اساتید به فرانسه رفتند و سنتی خاص از جامعه‌شناسی فرانسوی را در ایران شکل دادند و گویی در سنت علوم اجتماعی نوعی الهیات پدید آمد.

اما هر جامعه‌ای باید باتوجه به نیازهای ضروری خود سراغ علوم اجتماعی برود؛ از این‌رو گسست‌ها و افراط و تفریط‌هایی در علوم اجتماعی شکل گرفت.

این استاد دانشگاه خاطر نشان کرد: از زمانی که صرفاً تحلیل‌های گفت‌وگویی و محتوایی مبتنی بر روش‌های کیفی ارائه شد، هیچگاه یک مکتب، خاص علوم اجتماعی در ایران شکل نگرفت؛ ولی سنت علوم اجتماعی در غرب ادعا دارد که فلان دانشگاه، سنتی خاص از علوم اجتماعی را تدریس می‌کند.

ابراهیمی خاطر نشان کرد: فلسفه علوم اجتماعی در ایران بر اساس ضرورت جامعه شکل نگرفت و بر اساس احتمال و تصادف بود؛ ولی سنت‌های تحلیل رفته و کوچک در پی آن شکل گرفت.



گرفته باشد، اما پایان نیافته است. در این نزاع، هر دو طرف، گزند دیده‌اند و نمی‌توان گفت جبهه تجدد، کامیاب شده است. چهارم، شهدای مدافع حرم، هرگز ضرر نکردند؛ تکلیف دیروز، ایستادن بود و اما امروز، معادله تغییر کرده است. و مگر در دفاع مقدس نیز، شاهد چنین وضعی نبودیم و نحوه پایان جنگ، بسیاری را دچار تردید نکرد. آنان که از جنگ نهراسیدند و به میدان شتافتند، به سعادت ابدی دست یافتند. هیچ صلح و معاهده و عقب‌نشینی‌ای در این جهان، اجر و فلاح آنها را در آن جهان، تضییع نخواهد کرد. مسأله خمینی کبیر و جنود عاشورایی‌اش، همواره تکلیف بوده و نه نتیجه. ما آموخته‌ایم که مأمور به تکلیف هستیم و نه نتیجه. آنانی مبتلا به خسران و تباهی هستند که در ذهنیت جمعی، بذر تردید می‌پاشند و گمان می‌کنند که باید درباره شهادت و شهدا، بر اساس محاسبات مادی و معادلات دنیایی قضاوت کرد. سلسله جنگ‌های میان جبهه‌های حق و باطل، تا ظهور ادامه خواهد یافت.



سیاست‌گذاری در جامعه باید بر مبنای علوم انسانی انجام شود

مجید مختاری

برنامه «در مسیر اندیشه» رادیو گفت‌وگو در رابطه با موضوع کاربردها و مصادیق علوم انسانی در سیاست‌گذاری با دکتر مجید مختاریان پور عضو هیئت‌علمی دانشکده‌های مدیریت دانشگاه تهران مصاحبه کرد.

مختاریان پور ابتدا به تاریخچه تحول علوم انسانی در غرب اشاره و اظهار کرد: علوم انسانی و علوم اجتماعی مدرن در اروپا زاییده‌ی دوران بعد از رنسانس است. پارادایم اثبات‌گرایی با کارهای دانشمندان علوم طبیعی مانند نیوتن و گالیله در قرن هفدهم متولد شد و از ابتدای قرن هفدهم تا نیمه قرن نوزدهم علوم اجتماعی مدرن با نگاه اثبات‌گرا پایه‌ریزی شد.

وی افزود: دانشمندان و فلاسفه از قرن نوزدهم نقدهایی را به نگاه اثبات‌گرایی وارد کردند تا اینکه پارادایم اثبات‌گرایی در قرن بیستم اصلاح شد و پارادایم منطقی شکل گرفت و در ربع پایانی قرن بیستم نیز نقدها به اثبات‌گرایی کاملاً جدی شد و عملاً یک تحول پارادایمی عظیم در علوم انسانی و علوم اجتماعی شکل گرفت.

عضو هیئت‌علمی دانشکده‌های مدیریت دانشگاه تهران با بیان اینکه دنیای علوم انسانی و علوم اجتماعی مغرب‌زمین در کنار عینیت‌گرایی اثبات‌گرا به ذهنیت‌گرایی تفسیری و پست‌مدرن نیز توجه دارد گفت: در این دنیای چند پارادایمی، ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی وجود دارد که منجر به تغییرات اساسی در علوم انسانی در دنیا شده است. مختاریان پور در ادامه به سیر تاریخی تحول علوم انسانی در جوامع اسلامی نیز اشاره و بیان کرد: ما پیش از رنسانس و در دوران شکوفایی تمدن اسلامی، علوم انسانی و میراث گران‌بهایی از علوم انسانی و علوم اجتماعی داریم که مدت‌هاست آن را فراموش کردیم.

وی بازگشت به میراث تمدنی کشورمان در حوزه علوم انسانی و بازخوانی آن را ضروری خواند و افزود: ما در مواجهه با اروپا علوم مدرن را وارد ایران کرده و در دانشگاه‌ها آموزش دادیم و عملاً میراث تمدنی خود در این حوزه را رها کردیم در صورتی که موضوعات ارزشمندی در منابع اسلامی وجود دارد. برای مثال ما در بررسی نظریه‌های انگیزش مستقیماً به سراغ نظریه‌های انگیزش مدرن می‌رویم درحالی که ابن سینا تبیین زیبا و قابل‌انگیزی از مسئله انگیزش ارائه داده است.

عضو هیئت‌علمی دانشکده‌های مدیریت دانشگاه تهران بر این باور است که مطلق و سیاه دیدن وضعیت علوم انسانی باعث نامیدی جامعه دانشگاهی می‌شود و لذا باید اقدامات و حرکت‌های مثبتی که پژوهشکده‌ها و سازمان‌ها و وزارتخانه‌های کشورمان در حوزه علوم انسانی انجام دادند را نیز به‌عنوان سکوی برای برداشتن گام‌های بعدی در نظر گرفت.

مختاریان پور در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو اظهار کرد: باوجود اینکه هر سال ده‌ها عنوان پژوهشی توسط سازمان‌ها برای استفاده معرفی می‌شود؛ اما منجر به حل مشکلات نشده و چرایی این موضوع باید بررسی شود.

وی با بیان اینکه نظریه‌های علوم انسانی با حل مسائل اجتماعی شکل می‌گیرند گفت: پژوهشگران و محققان علوم انسانی از نظریه‌های موجود علوم انسانی که توسط دانشمندان در سراسر دنیا ارائه شده برای حل مسائل جامعه خود استفاده کرده و بر اساس دانسته‌های پیشین، نسخه و راه‌حل‌های بومی را برای جامعه خود ارائه می‌دهند. محققان حوزه علوم انسانی با این کار ضمن کسب توصیف درست از واقعیت‌ها به تجویز درستی برای حل مشکلات جامعه خود نیز می‌رسند.

عضو هیئت‌علمی دانشکده‌های مدیریت دانشگاه تهران، پژوهش را به معنای ختم‌شده‌ی گذاری دانش‌بینان تعریف کرد و افزود: اگر تولید یک قطعه دانش‌بینان نباشد نتیجه ناگواری خواهد داد؛ اما اگر سیاست‌گذاری و ختم‌شده‌ی گذاری بدون علوم انسانی و بدون دانش انجام شود عملاً یک موضوع منتفی است؛ چراکه ختم‌شده‌ی گذاری غیرعقلایی محسوب می‌شود.

مهدی جمشیدی

یکم. دولت بشار اسد، از درون خویش، پوسیده بود و اگر حمایت‌های ایران در یک دهه پیش در میان نبود، در همان برهه، برچیده شده بود. ایران به سبب این که زوال دولت اسد، موجب آسیب‌دیدن جبهه مقاومت می‌شد، به حمایت از تداوم قدرت وی برخاست و در این باره، موفق نیز شد. البته بیش از هر چیز، حس تکلیف شیعی ایران نسبت به پاسداری از حرم حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) در این معادله سیاسی، مؤثر بود. به‌رحال، دولت اسد، ناتوان و درمانده بود و نمی‌توانست به‌تنهایی، بماند و دوام بیاورد. این دولت، نه بدنه اجتماعی و مردمی چندانی داشت و نه وجه ایدئولوژیک و اعتقادی. تنها امری که می‌توانست مولد قدرت برای وی باشد، همراهی‌اش با جبهه مقاومت بود؛ و گر نه از لحاظ درونی، عناصر اقتدار خویش را باخته بود. هرگز نمی‌توان باور کرد که جریان‌های سلفی و تکفیری، این چنین آسان به قدرت دست یابند؛ مگر این که پیش از کنش آنها، دولت حاکم، تهی و تنگ شده باشد و نتواند بماند. کنش قدرت دولت اسد از لحاظ روانی و انگیزشی، به پایان رسیده بود و تاکنون نیز به واسطه قدرت‌های بیرونی، پابرجا مانده بود. «سکولاریسم سیاسی» - که حاصلش مقاومت غیرایدئولوژیک نیم‌بند و خوش‌باوری نامؤمنا نه نسبت به وعده‌های سیاسی کارانه بود - و «تکثر هویتی» - که ریشه در فقدان نقطه مرکزی داشت - سوریه را این چنین خاکستر نشین کرد.

دوم. خوانش غیرایمانی و ملی‌اندیشانه و سیاسی از مقاومت، دوام و پایداری ندارد و چه‌بسا حتی در شرایط ساختگی و گلخانه‌ای نیز از دست برود؛ چنان که سقوط بشار، ناشی از تزلزل درونی قدرت او بود، نه قدرت مخالفانش. مخالفان، بدون جنگ و درگیری، وی را ساقط کردند و این یعنی در میدان مواجهه، پیروز نشدند، بلکه از ضعف‌های درونی و داخلی او، بهره بردند. مقاومت،

چالش تروریستی که در انتظار ترکیه است

عباس حاجی نجاری



عباس حاجی نجاری در ارتباط تلفنی با برنامه صبح و گفتگو رادیو گفت و گو؛ با اشاره به اینکه مسئله سوریه فراتر از دخالت‌های ترکیه است، گفت: با توجه به شکست سال‌های اخیر که دشمن از محور مقاومت متحمل شده، امروز در جهت جبران، تلاش می‌کند. وی از ضعف و کاستی در دولت سوریه سخن گفت که دشمن در صدد سواستفاده از آن بوده تا این کشور را از محور مقاومت خارج کند.

البته این تصور کاملا اشتباه است چون جریان مقاومت خود را در سال‌های اخیر پیدا کرده و قابلیت و توانمندی‌های خود را نشان داده است و این مهم را در قبال مقاومت فلسطین و لبنان دیده‌ایم که نشان از تبلور و شکوفایی جریان مقاومت دارد.

حاجی نجاری ادامه داد: با توجه به اتفاقاتی که در سوریه رخ می‌دهد و حرکت معارضین مسلح، شاهد تحولاتی جدید در منطقه خواهیم بود.

البته چشم انداز منفی در مورد همان کشورهایی است که تصور دارند از بی نظمی و بی ثباتی در سوریه نفع خواهند برد. این اتفاقات کل کشورهای منطقه را در بر می‌گیرد و همان‌هایی که تروریست‌ها را حمایت کرده و آموزش داده‌اند، دچار چالش خواهند شد.

وی افزود: چنین تحرکاتی سبب فرصت‌یابی اقوام و اقلیت‌ها در کشورهای اغتشاش آفرین خواهد بود.

حاجی نجاری در بخشی دیگر از سخنان خود در رادیو گفت‌گو با بیان این که ترکیه نقش اصلی را در حمایت از تروریست‌ها داشته و دارد ولی خود این کشور از مسائل فرقه‌ای آسیب دیده است، گفت: وقتی بی ثباتی در منطقه

دولت بشار اسد سرانجام و پس از سال‌ها کشاکش فروپاشید. سوریه در دوران اسد قربانی معرکه و مطامع صهیونیستی و زیاده خواهی نوحثمانی‌گری اردوغانی و سلفی‌گری ضدشیعه شد. هرچند آمریکایی‌ها در سال‌های گذشته به نوعی زیاده خواهی‌های اردوغان را کنترل می‌کردند اما وضعیت ناپدید و از هم پاشیده اسرائیل پس از رویدادهای هفتم اکتبر و حملات محور مقاومت باعث شد تا آنها برای مدتی چشمان خود را بر تکاپوهای اردوغان ببندند و سیگنال حمله به دمشق را که در چند سال گذشته با وسوسه‌های عربی به تدریج از محور مقاومت فاصله گرفته بود صادر کنند. اسد این بار به جای تکیه بر نیروهای مقاومت بر ارتش عربی خود تکیه کرد تا شاهد عقب نشینی‌های پی در پی و سقوطی دومینووار باشد.

اکنون سوریه مانده و ملتی درمانده که بخشی از آنها با تصور روزهای بهتر در خیابان‌ها به خوشحالی پرداختند اما به نظر می‌رسد روزهای سیاه دمشق تازه فرارسیده است. از فردای سقوط، بازگیران پشت پرده این ماجرا بر سر تقسیم غنائم به منازعه خواهند پرداخت.

اسرائیل تلاش خواهد کرد به سرعت سر و سامانی به اوضاع گسسته خود بدهد تا به موازات الحاق کرانه باختری با تکمیل پروژه خود در جولان به تصرف بخش‌هایی از سوریه بپردازد. چه چیزی از این بهتر؟! اما اوضاع آن‌طور که صهیونیست‌ها تصور می‌کنند نخواهد بود و در این مسیر باید به جنگ

سقوط بشار
و صعود بشارت‌ها

جعفر ولایی منش

با انتشار اخبار بد سقوط حکومت سوریه، شاهد تحلیل‌های هیجانی و ناامید کننده گوناگونی هستیم:

«خون شهدای مدافع حرم را به باد دادند!» گویا که شهدای مدافع حرم برای دفاع از حکومت سوریه و شخص بشار اسد می‌جنگیدند، در حالی که با رفتن بشار، آرمان دفاع از حرم‌ها و مقدسات سوریه بر زمین نخواهد ماند.

«مقصر پزشک‌ها و عراقچی هستند که با ابزار دیپلماسی و مذاکره به دنبال مدیریت مسئله پیچیده سوریه بودند»، انگار نه انگار که عراقچی در دو حه و علی لاریجانی به نمایندگی از رهبری دویار در دمشق به دنبال مدیریت صحنه و متقاعد سازی طرف‌های درگیر و انگیزه‌سازی برای بشار اسد و حاکمیت سوریه بودند.

«جمهوری اسلامی مقصر است که گذاشت حکومت سوریه سقوط کند!»

یعنی انتظار دارند وقتی رئیس جمهور سوریه نمیخواهد، مردم سوریه نمیخواهند و ارتش سوریه نمیخواهند به هر دلیلی مقاومت کنند، ایرانی‌ها دایه دلسوزتر از مادر شوند و با دخالت بیجا در امور داخلی یک کشور دیگر، اراده خود را بر مردم و حاکمیت آن کشور به هر قیمتی تحمیل کنند! ما قبلا هم با درخواست سوریه و حاکمیت بشار اسد، عملیات مستشاری در این کشور داشتیم.

«چون عملیات وعده صادق با تعلل روبرو شد، دولت سوریه سقوط کرد»

رهبر معظم انقلاب تأکید کردند نه تعلل میکنیم و نه شتابزده عمل میکنیم؛ همه ما به تدابیر رهبر جبهه مقاومت و فرمانده کل قوا ایمان داریم و با تهمت «تعلل کردیم که سید حسن نصرالله به شهادت رسید»، تدابیر امام خامنه‌ای و بیانات صریح ایشان را نادیده نمیگیریم و دل مردم منطقه و حاکمان کشورهای جبهه مقاومت را با وسوسه های سرپنجه‌های رسانه ای دشمن، خالی نمیکنیم.

«اگر حاج قاسم بود، سوریه سقوط نمیکرد» گویا که نمیدانند استاد و پیر مراد حاج قاسم تأکید کردند که با آمدن سردار قانی خلاء حضور حاج قاسم رفع گردید. تضعیف سرداران سپاه و فرماندهان میدان که این روزها تا توانستند تلاش کردند تا علاوه بر متقاعد سازی حاکمیت سوریه، آرایش میدان و جبهات مبارزه را سر و سامان دهند، اشتباه راهبردی بوده و تنها به سود رژیم صهیونیستی تمام میشود. بهترین پایه تحلیل برای این روزها همان بشارت ماندگار سردار دلها حاج قاسم سلیمانی عزیز است که: «هن با تجربه این را میگویم که میزان فرصتی که در بحران‌ها وجود دارد، در خود فرصت‌ها نیست. اما شرط آن این است که: نترسید و نترسیم و نترسانیم.»

و چه زیبا فرمود امام راحل عظیم الشان ما: «چه کوتاه نظرند آنهایی که خیال می‌کنند چون ما در جبهه به آرمان نهایی نرسیده‌ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خودگذشتگی و صلابت بی‌فایده است،

ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود. و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید نمودند.»

در سوریه می‌مانیم

دانیل شاپیرو

خبرگزاری رویترز نوشت که ساعاتی پس از سرنگونی حکومت بشار اسد و ورود معارضان به پایتخت، دانیل شاپیرو از همه طرف‌ها خواست تا از غیرنظامیان و به ویژه اقلیت‌ها محافظت کرده و به هنجارهای بین‌المللی احترام بگذارند.

وی در بحرین و در جریان کنفرانس امنیتی گفت و گوی منامه گفت: آگاهی که شرایط آشفته و متغیر میدانی در سوریه می‌تواند به داعش فرصتی برای فعال شدن و برنامه‌ریزی برای عملیات خارجی بدهد. ما مصمم هستیم که با شرکایمان برای تضعیف توانمندی داعش همکاری کنیم.

شاپیرو افزود: مصمم هستیم که از شکست دائمی (داعش)، بازداشت عوامل داعش و بازگشت آوارگان به کشورشان اطمینان یابیم.

این در حالی است که جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید نیز روز گذشته گفته بود: در جریان مراحل قبلی جنگ داخلی طولانی مدت سوریه، در بدترین حالت، شاهد قدرت گرفتن داعش در صحنه بودیم.

سالیوان گفت: اکنون اولویت اصلی اطمینان از عدم تجدید حیات داعش در نتیجه نبرد در سوریه است. ما مستقیماً و با همکاری نیروهای دموکراتیک سوریه، کردها، اقدام‌هایی را انجام خواهیم داد تا اطمینان یابیم که این اتفاق نخواهد افتاد.

سالیوان ادامه داد: دولت جو بایدن رئیس جمهور کنونی آمریکا، تلاش می‌کند تا متحدان آمریکا در منطقه از جمله اسرائیل، اردن، عراق و سایر کشورها که به طور بالقوه با اثرات جنگ داخلی در سوریه مواجه می‌شوند، قوی و امن باشند.

مشاور امنیت ملی آمریکا افزود: واشنگتن همچنین به دنبال متوقف کردن یک فاجعه انسانی چه از نظر غیرنظامیان، دسترسی به ملزومات حیاتی، و چه از نظر حفاظت از اقلیت‌های مذهبی و قومی در سوریه است.

وی تصریح کرد: البته در نتیجه چنین رویکردی، داعش فوراً به دنبال سودجویی خواهد بود. ما گزارش‌هایی از تلاش داعش برای بازسازی این گروه دیده‌ایم.

سالیوان افزود: بنابراین آمریکا به دنبال جلوگیری از خشونت و بی‌ثباتی بالقوه، محافظت از متحدان و اطمینان از عدم ایجاد فضای جدید برای داعش و تهدید منافع آمریکا و متحدان آن خواهد بود.

آن که باد بکارد، طوفان درو خواهد کرد
تجزیه سوریه اردوغان و ترکیه را خواهد بلعید

دست به دست کردهای عراق و سوریه خواهند داد. در این صورت شرق، جنوب و حتی مرکز ترکیه در معرض جنبش‌های بزرگ جدایی طلبی قرار خواهد گرفت.

گرد و خاکی که این روزها در سوریه برخاسته پتانسیلی بزرگ برای تبدیل شدن به طوفان دارد و اینها تنهایی بخشی از رویدادهای قابل پیشبینی آن است. آنهایی که برای پاره کردن زنجیره محور مقاومت و نجات اسرائیل باد کاشتند باید منتظر طوفان روزهای پسین باشند.

سلفی‌های تکفیری برود که طیف‌هایی از آنها سر سازگاری با صهیونیست‌ها خواهند داشت.

بازگشت و احیای جریان‌های تکفیری هسته‌های خفته در کل منطقه را بیدار کرده است. عراق و اردن زودتر از سایر مناطق پس لرزه‌های این رویداد را احساس خواهند کرد؛ پس لرزه‌هایی که ممکن است از خود زلزله اصلی شدیدتر باشند. از روزهای پیش از فروپاشی اسد زمزمه‌هایی از حرکت هسته‌های خفته در الاتبار و فلوجه به گوش رسید. اتصال جریان‌های تکفیری سوریه و اردن پیامدهای دردناکی برای اسرائیل و عربستان سعودی خواهد داشت که نتایج آن غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود و می‌تواند کل شبه جزیره را در بر بگیرد. عراق یکبار چنین رویدادی را تجربه کرده است و به همین دلیل با اضطراب بیشتری رویدادهای سوریه را دنبال می‌کند. مساله

عراق فقط تکفیری‌های نخواهند بود. عراق با تجزیه طلبی کردها نیز دست و پنجه نرم خواهد کرد که این بار به راحتی و بدون مانع با کردهای سوریه هم‌افزایی خواهند کرد. این‌جاست که بادهای تجزیه در عراق به تدریج تبدیل به طوفان می‌شود و به سمت ترکیه و پان ترک‌های اردوغانی می‌چرخد. کردهای ترکیه که بیش از ۳۰ درصد جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهند

آیا «وام ازدواج» مقصر ناترازی بانکی است؟

محمدطاهر رحیمی

وام‌های ازدواج و فرزندآوری به عنوان یک محرک قدرتمند اقتصادی عمل می‌کنند. تزریق منابع مالی از طریق این وام‌ها به خانوارها، قدرت خرید آن‌ها را افزایش داده و تقاضا برای کالاها و خدمات را رونق می‌بخشد. این افزایش تقاضا، تولیدکنندگان را به سمت افزایش تولید و سرمایه‌گذاری سوق داده و در نتیجه به رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی کمک شایانی می‌کند.

■ **اختصاص بیش از ۹۰ درصد تسهیلات بانک آینده به خود مجموعه**

ادعای اینکه وام‌های ازدواج و فرزندآوری عامل اصلی ناترازی بانک‌ها هستند، با آمار و ارقام موجود در تضاد است. چرا که بانک‌ها، وام‌ها را اغلب به نهادهای وابسته و مرتبط با خود اختصاص می‌دهند، در حالی که تسهیلاتی مانند وام ازدواج و فرزندآوری به صورت مستقیم به مردم پرداخت می‌شود. یکی از اصلی‌ترین دلایل ناترازی در شبکه بانکی کشور، عملکرد بانک‌هایی مانند بانک آینده است. این بانک‌ها به جای اعطای تسهیلات به بخش خصوصی و تولیدکنندگان، عمده منابع خود را به شرکت‌های زیرمجموعه و وابسته‌شان اختصاص داده‌اند. در واقع، بیش از ۹۰ درصد تسهیلات بانک آینده به خود این بانک بازگردانده شده و تنها ۳ درصد از کل تسهیلات به سیستم بانکی بازپرداخت شده است. این رویه نادرست و ارجاع منابع به درون خود مجموعه، به جای اینکه به چرخه تولید و اقتصاد کمک کند، باعث ایجاد ناترازی شدید در بانک و در نتیجه در کل سیستم بانکی شده است.

بانک پاسارگاد حدود ۷۶ درصد از کل تسهیلات خود را به شرکت‌های زیرمجموعه‌اش اعطا کرده است. به عبارت دیگر، بخش عمده‌ای از منابع مالی این بانک به جای اینکه در اختیار بخش‌های مختلف اقتصاد قرار گیرد، به شرکت‌های وابسته خود اختصاص یافته است. این موضوع نشان می‌دهد که یکی از دلایل اصلی ناترازی‌های بانکی، اعطای تسهیلات به صورت هدفمند و به نفع گروه خاصی از افراد یا شرکت‌ها است.

■ **آیا ناترازی بانکی واقعا به خاطر وام‌های ازدواج است؟**

بانک‌ها بر اساس سرمایه و شاخص‌های مالی خود، سقف مشخصی برای اعطای تسهیلات به اشخاص حقیقی و حقوقی دارند. این سقف‌ها بر اساس قوانین و مقررات بانکی تعیین می‌شوند و هدف از آن حفظ پایداری سیستم بانکی است. بانک‌هایی مانند آینده با پرداخت تسهیلاتی تا ۲۰۰ برابر سقف قانونی، به طور فاحش قوانین را زیر پا گذاشته‌اند.

این اقدامات، ناشی از اعطای بی‌رویه تسهیلات به شرکت‌های تابعه، ذینفعان خاص و افراد حقیقی و حقوقی وابسته به خود بانک‌هاست. این رویه نادرست، با ایجاد پول از هیچ، به نفع گروه خاصی عمل کرده و باعث ناترازی شدید در نظام بانکی شده است. در حالی که تمرکز بر نرخ سود بانکی به عنوان عامل اصلی ناترازی بانکی، دیدگاهی ناقص است. ریشه اصلی این مشکل، اعطای بی‌رویه تسهیلات و سوء مدیریت منابع بانکی است.



و سپس از همان بانک‌ها وام دریافت می‌کنند.

منابع قرض الحسنه بانک‌ها برای اعطای وام ازدواج محدود نیست این چرخه معیوب، منابع مالی بانک‌ها را به شدت محدود کرده و مانع از اعطای وام به بخش‌های مهمی مانند ازدواج، فرزندآوری و سایر نیازهای مردم می‌شود. در حالی که دولت‌ها با استفاده از ابزارهای تنظیم‌گری مالی می‌توانند این روند را کنترل کنند و صنایع بزرگ را به سمت سرمایه‌گذاری داخلی سوق دهند، در ایران از این ابزارها به اندازه کافی استفاده نمی‌شود. بنابراین ادعای بانک‌ها مبنی بر نبود منابع برای اعطای وام، ادعایی نادرست و غیرعلمی است. این ادعا که به گوش مسئولین عالی‌رتبه کشور نیز رسیده، فاقد هرگونه پشتوانه منطقی است. منابع قرض الحسنه بانک‌ها محدود نیست و حتی در مواردی که منابع محدودی نیز وجود دارد، بانک‌ها کمتر از آن مقداری که باید، تسهیلات اعطا کرده‌اند. بنابراین، این ادعا که بانک‌ها قادر به اعطای وام ازدواج نیستند، قابل قبول نبوده و نیازمند بررسی جدی‌تر است.

■ **سیاست‌های هدایت اعتبار؛ راهکاری برای بهبود توزیع منابع بانکی**

بانک مرکزی مدعی کمبود ذخایر برای اعطای وام است، در حالی که سیستم بانکی کشور، با اعطای تسهیلات کلان به شرکت‌های وابسته و افراد خاص، به شدت از منابع خود سوءاستفاده کرده است. قبل از آنکه به مردم گفته شود ذخیره‌ای برای وام دادن وجود ندارد، باید نظام بانکی را اصلاح کرد و منابع آن را آزاد نمود. با اصلاح این نظام، بانک‌ها قادر خواهند بود ذخایر کافی برای اعطای تسهیلات به مردم ایجاد کنند.

حتی اگر امکان انجام مستقیم این کار وجود نداشته باشد، علم اقتصاد ابزارهایی برای هدفمند کردن تخصیص اعتبارات ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر، با استفاده از برنامه‌های اعتباری هدایت‌شده یا سیاست‌های هدایت اعتبار (Credit Targeting Policies)، می‌توان اعتبارات را به بخش‌های مشخصی از اقتصاد تزریق کرد تا به اهداف مورد نظر دست پیدا کرد.

این رویکرد، که در ادبیات اقتصادی با عنوان هدایت اعتبار (Credit Targeting) شناخته می‌شود، به دولت‌ها کمک می‌کند منابع مالی را به طور مؤثر و کارآمد به سمت بخش‌هایی هدایت کنند که بیشترین نیاز را دارند و می‌توانند بیشترین بهره‌وری را از آن منابع داشته باشند.

شورای رقابت از واردات خودروی کارکرده حمایت می‌کند

توکلی-روح‌الامین



صادر می‌کند تا بازار از شکل کنونی خارج شود. وی تأکید کرد عبارت واردات به هر شکلی به معنای ورود هر نوع خودرویی به کشور نیست؛ بلکه تنظیم گران فنی تدابیر ویژه‌ای در نظر می‌گیرند تا به اصل موضوع خدشه‌ای وارد نشود.

توکلی ادامه داد: واردات باید انجام شود و این کار با هر تدبیری و با در نظرگیری شرایط ارزی و مصرفی و نوع کالای وارداتی باید اتفاق افتد. بازار به تعادل و تنوع بیشتر نیاز دارد؛ خاصه در زمینه خودروهای اقتصادی که اقشار ضعیف‌تر توان استفاده از آن را داشته باشند و خودرو به راحتی در اختیارشان باشد و سخن بنده، ناظر بر این قضیه است!

■ **واردات خودروی کارکرده جایز نیست**

در ادامه سید محمد روح‌الامین، کارشناس صنعت خودرو با بیان این که تعادل در بازار خودرو به هر شکل ممکن نیست، افزود: شخصاً واردات خودروی کارکرده را به طور مطلق رد می‌کنم. وی افزود: زیر ساخت و قطعات برخی برندها در کشور وجود ندارد که گریبان مصرف‌کننده را می‌گیرد. روح‌الامین ادامه داد: در برخی سازمان‌ها برای شناسایی شماره شاسی خودروهای داخلی هم به مشکل برمی‌خوریم؛ حال تصور



حواله دادن رونق اقتصاد به «کلید دیپلماسی»

حواله دادن رونق اقتصاد به «کلید دیپلماسی» یادآور رویکرد عقیم دولتی روحانی است که ادعا می‌کرد همه تحریم‌ها با برجام یک‌جا لغو می‌شود.

«هوای تازه در اقتصاد با کلید دیپلماسی». این عنوان، تیتر برجسته روزنامه دولت است که ذهن مخاطب را به «وعده‌های پر طمطراق دولت روحانی با نشان دادن کلید کذایی» می‌برد.

روزنامه ایران ذیل تیتر بالا می‌نویسد: «سرمایه‌گذاری خارجی، به عنوان شاهرگ حیات اقتصادی، همواره محرک اصلی تولید و سپر دفاعی در برابر شوک‌هایی نظیر جهش تورم و کسری بودجه بوده است. این شاهرگ در بیش از یک دهه اخیر به شدت آسیب دیده و به انسداد رسیده است.

با توجه به شرایط کنونی اقتصاد ایران، لازم است که دولت با اتخاذ دیپلماسی سیاسی-اقتصادی هوشمندانه، گام‌های موثری برای احیای سرمایه‌گذاری خارجی بردارد. در مجموع با تحقق مواردی که مطرح شد می‌توان شاهد دمیدن هوای تازه بر پیکره اقتصاد بیمار کشورمان بود.

حواله دادن رونق اقتصاد به «کلید دیپلماسی» یادآور رویکرد عقیم دولت روحانی است که ادعا می‌کرد همه تحریم‌ها با برجام یک‌جا لغو می‌شود و چنان رونقی به اقتصاد داده خواهد شد که مردم از پول ناچیز یارانه بی‌نیاز شوند و همه مشکلات حتی آب خوردن مردم و آلودگی هوا و مشکلات کارخانه‌های صنعتی و تولیدی حل خواهد شد. همچنین ادعا می‌شد با واگذاری و تعلیق برنامه هسته‌ای در مذاکرات ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب می‌شود یا ۲۰۰ فروند هواپیمای خریداری می‌گردد.

اما خروجی این روند به موازات تعطیلی یا تعلیق ۹۵ درصد برنامه هسته‌ای چه بود؟ ۹ برابر شدن قیمت ارز خارجی و سقوط ارزش پول ملی، خالی شدن خزانه ارزی و ناتوانی در فروش نفت، ثبت بالاترین نرخ تورم، تعطیلی هشت هزار کارخانه، توقف برنامه‌های مربوط به ساخت نیروگاه‌های تأمین برق هسته‌ای و فسیلی و تحمیل ناترازی شدید برق به کشور، کثافتکاری خواندن ساخت پالایشگاه و تخطئه ساخت نیروگاه و گسترش ناترازی به بنزین و گاز، جذب کمترین میزان سرمایه خارجی، رودست خوردن از شرکت فرانسوی توتال برای دومین بار و سرقت اطلاعات محرمانه پارس جنوبی و عهدشکنی بی‌هزینه شرکت فرانسوی، و دروغ از آب درآمدن وعده خرید ۲۰۰ هواپیما و زمینگیر شدن چند هواپیمای خریداری شده در پسا برجام!

و این در حالی است که در همان دولت، با وجود اجرای همه تعهدات یکطرفه برجام (به علاوه تعهد سپاری به توافق پاریس برای کاهش استفاده از سوخت فسیلی در نیروگاه‌ها، و اجرای ۳۹ بند از ۴۱ بند برنامه اقدام FATF، شمار تحریم‌ها از ۸۵۰ تحریم به بیش از ۱۷۰۰ تحریم رسید! با وجود همه این واقعیت، روزنامه دولت از کدام کلید دیپلماسی آن هم درباره آمریکا و اروپای عهدشکن حرف می‌زند!؟

به بهانه انتخاب «دانه انجیر معابد» توسط مجله تایم

جوکرتایم

مصطفی قاسمیان

نبود حاشیه امن
برای فیلم‌های کم‌دی

ابراهیم عامریان

ابراهیم عامریان تهیه‌کننده در مصاحبه با برنامه «سینما زاویه» رادیو گفت‌وگو در مورد علت رغبت به تهیه‌کنندگی فیلم‌های کم‌دی اظهار کرد: اولین کار اجتماعی که به‌صورت مستقل ساختم فیلم «کارگر ساده نیازمندیم» بود و قبل از آن کار کم‌دی نکرده بودم.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا انگیزه اقتصادی تهیه‌کنندگان باعث می‌شود صرفاً در حوزه فیلم‌های کم‌دی فعالیت کنند گفت: بنده از انگیزه سایر تولیدکنندگان اطلاعی ندارم؛ اما انگیزه خودم اقتصادی نیست و برایم فرقی ندارد. اگر بتوانم فیلم اجتماعی بسازم که مخاطب آن را ببیند قطعاً می‌سازم و همین‌لان هم در حال پیش‌تولید یک کار اجتماعی هستم و تلاش می‌کنم همان فرمولی که برای کارهای کم‌دی اجرا کردم را در خصوص فیلم اجتماعی هم اجرا کنم.

تهیه‌کننده برجسته کشورمان متذکر شد: اگرچه امروز بحث اقتصادی با فیلم‌های کم‌دی همراه شده اما هدف بنده این نیست و دوست دارم فیلمی را که می‌سازم مخاطب ببیند و دوست داشته باشد.

عامریان تصریح کرد: اگر امروز آثاری شبیه به فیلم «ابد و یک روز» یا «متری شش و نیم» اکران شود شاید به‌اندازه آن موقع فروش نکنند؛ چون آن موضوع مختص زمان خودش بوده و امروز سینمای اجتماعی ما به مسائل دیگری نیاز دارد.

وی با بیان اینکه برای ساخت فیلم‌های اجتماعی باید به‌روزسانی شویم و نیاز مخاطب را بشناسیم گفت: ما حتی برای ساخت فیلم‌های کم‌دی هم اگر تغییر تاکتیک ندهیم همان اتفاق فیلم‌های اجتماعی برای فیلم‌های کم‌دی رخ خواهد داد.

تهیه‌کننده برجسته کشورمان در پاسخ به پرسشی دیگر مبنی بر اینکه چه میزان از فروش فیلم‌های شما توسط تبلیغات شبکه‌های ماهواره‌ای بوده اظهار کرد: ما برای این موضوع هزینه‌ای نکردیم و خودشان به‌صورت خودجوش، تبلیغاتی که ما در فضای مجازی داشتیم را در شبکه‌های ماهواره‌ای تبلیغ می‌کنند که البته تأثیر بسیار زیادی هم بر افزایش مخاطب دارد.

وی با اینکه حاشیه امنی برای فیلم‌های کم‌دی وجود ندارد گفت: واقعیت این است که فیلم کم‌دی ساختن و پروانه گرفتن به‌هیچ‌وجه کار ساده‌ای نیست. برای مثال فیلم «دینامیت» سه سال توقیف بود و بعد از سه سال اکران شد؛ اما ما هیچ سروصدایی نکردیم.

عامریان در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو اظهار کرد: امسال از ۵۰ فیلم اکران شده ۱۳ فیلم آن کم‌دی بوده و فروش بالای این تعداد فیلم به معنای تسخیر کردن سینما نیست ضمن اینکه ما در یکی دو سال اخیر فیلم اجتماعی قوی نداشتیم بنابراین نمی‌توان فیلم‌های کم‌دی را محکوم کرد.

سازندگان سریال «هری پاتر»

از ۳۲ هزار کودک تست گرفتند



تست بازیگری سازندگان سریال هری پاتر از ۳۲ هزار کودک شبکه اچ‌بی‌او در حال ادامه است و فیلمبرداری آن تابستان آینده شروع خواهد شد. فرانچسکا گاردینر و مارک مایلد به‌عنوان تهیه‌کنندگان این مجموعه تأیید کردند که این نسخه سریالی هری پاتر مانند نسخه سینمایی بسیار پرخرج خواهد بود.

گاردینر گفت که در ۱۴ سالگی کتاب‌های جی.کی. رولینگ (خالق داستان هری پاتر) را بلعیده و برای یافتن بازیگران نقش‌های هری، هرمایونی و ران از بیش از ۳۲ هزار کودک تست بازیگری گرفته شده است.

آخر هفته گذشته رخدادهای قابل توجهی برای یکی از آخرین فیلم‌های جریان سینمای زیرزمینی ایران افتاد؛ فیلم سینمایی «دانه انجیر معابد» از نگاه مجله تایم به‌عنوان یکی از ۱۰ فیلم برگزیده سال ۲۰۲۴ انتخاب شد و از نظر هیئت ملی نقد آمریکا که مهم‌ترین حلقه منتقدان این کشور محسوب می‌شود و آرای آن در انتخاب بهترین‌های سال از نظر انجمن‌های سینمایی تأثیر می‌گذارد، عنوان بهترین فیلم بین‌المللی (غیرانگلیسی‌زبان) سال را به دست آورد. این در حالی است که گفته می‌شود این فیلم برای رقابت اسکار بهترین فیلم بین‌المللی (غیرانگلیسی‌زبان) نیز شانس دارد؛ اگرچه به نظر می‌رسد با وجود رقبای گردن‌کلفتی مثل «امیلیا پرز» از فرانسه و «هن هنوز اینجا هستیم» از برزیل، فیلم محمد رسول‌اف چندان به کسب جایزه نزدیک نیست. نگاهی به رخدادهای اخیر پیرامون این فیلم و البته چند محصول دیگر، زنگ هشدار را درباره سینمای زیرزمینی ایران به صدا درمی‌آورد.

۴ فیلم فارسی در اسکار

بر اساس اطلاعاتی که آکادمی اسکار هفته گذشته اعلام کرد، ۸۵ فیلم حائز شرایط شرکت در رقابت برای اسکار بهترین فیلم بین‌المللی شده‌اند. برای کسب این جایزه که پیش از این با نام اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان شناخته می‌شد و تاکنون ۳ بار با «چهار آسمان»، «جدایی نادر از سیمین» و «فروشنده» نامزد ایرانی به خود دیده، ایران فیلم «در آغوش درخت» را معرفی کرده که بر اساس قواعد معمول و آشنای این جایزه، به نظر نمی‌رسد از شانس فراوانی برای کسب مجسمه طلایی برخوردار باشد. به شکلی قابل تأمل، «در آغوش درخت» تنها فیلم فارسی‌زبان ۲۰۲۴ نیست که برای این جایزه رقابت می‌کند و در فهرست بقیه ۸۴ فیلم، ۳ فیلم دیگر به چشم می‌خورد که بخش قابل توجهی یا همه دیالوگ‌های آن به زبان فارسی است. این برای دومین سال متوالی است که ۴ فیلم فارسی‌زبان به اسکار معرفی می‌شود، اما امسال برای نخستین‌بار در تاریخ این جوایز، هر ۴ فیلم پذیرش شدند و در رقابت حضور دارند. جالب است بدانید طی دهه ۲۰۰۰، معمولاً هر سال یک فیلم فارسی به اسکار معرفی می‌شد، در دهه ۲۰۱۰ به‌طور معمول سالانه ۲ فیلم فارسی‌زبان به رقابت برای اسکار می‌رسید، اما طی سال‌های دهه ۲۰۲۰، این رقم بیشتر شده و به ۳ یا امسال ۴ فیلم افزایش یافته است.

۲ نوع دیگر سینمای فارسی‌زبان

افزایش تعداد فیلم‌های فارسی‌زبان معرفی‌شده به اسکار، به خودی خود رخداد بدی نیست و چه بسا حتی به گسترش نسبی زبان فارسی در جهان هم بینجامد، ولی مسئله اینجاست که برخی از فیلم‌های یادشده از جریان‌هایی‌اند که فایده خاصی برای زبان فارسی یا ایران ندارند. دانه انجیر معابد، نخستین اثر سینمایی ساخته‌شده در ایران به‌شمار می‌رود که بدون دریافت مجوزهای قانونی و به‌صورت زیرزمینی به تولید رسیده و به‌عنوان نماینده کشوری دیگر مسیر اسکار را در پیش می‌گیرد. در مقابل برخی از دیگر فیلم‌های فارسی‌زبان مذکور، اگرچه ابعاد سیاسی چندان ندارند، ولی توسط سینماگران ایرانی یا ایرانی‌تباری به تولید رسیده‌اند که در خارج از کشور زندگی می‌کنند و به‌طور معمول جزئی از جریان لاغر و کم‌کیفیت سینمای

خارجی فارسی‌زبان به‌شمار می‌روند. از این آثار می‌توان به «آواز بوقلمون» نماینده کانادا در اسکار ۲۰۲۴ اشاره کرد. برخی دیگر اما مثل «عنکبوت مقدس» نماینده دانمارک در اسکار ۲۰۲۲ و «شیدا» نماینده استرالیا در اسکار ۲۰۲۳ دارای ابعاد گسترده و قابل توجه سیاسی‌اند و اساساً بیش از علل هنری، در اثر مسائل سیاسی است که مورد توجه قرار می‌گیرند. حال به نظر می‌رسد هم‌زمان با فرجه شدن تدریجی جریان سینمای زیرزمینی داخل ایران که نظیر آن‌ها را در سال‌های اخیر با «کیک محبوب من»، «آیه‌های زمینی»، «منطقه بحرانی» و همین «دانه انجیر معابد» دیده‌ایم، سینمای سینماگران خارج‌نشین ایرانی هم به گسترش جریان متنوع‌شان می‌انديشد. این دو جریان هرقدر از ابعاد هنری دوری می‌کنند، ولی به شکل هم‌زمان به سیاست و جلب توجه بین‌المللی نزدیک می‌شوند که امری قابل تأمل و دارای اهمیت است.

علل گسترش یک جریان

توسعه تدریجی این دو جریان سینمایی طی سال‌های اخیر را معلول رخدادهای مختلفی می‌توان دانست که بعضی فرهنگی و بعضی سیاسی است. از طرفی ناآرامی‌های ۱۴۰۱ با سوءاستفاده برخی جریان‌های رسانه‌ای و هنری خارجی، به اتخاذ تصمیمی از سوی چند جشنواره شاخص بین‌المللی انجامید که طی آن نهادهای دولتی و حاکمیتی فعال در سینمای ایران مورد نوعی تحریم قرار گرفتند و از آن مهم‌تر، فیلم‌هایی را که با رعایت قوانین رسمی ایران شامل پروانه ساخت و نمایش و در نتیجه قوانین عمومی حجاب ساخته شده بودند، نپذیرفتند. اگرچه شمار فیلم‌های زیرزمینی تولیدشده در ایران به‌طور دقیق در دسترس نیست، ولی این احتمال وجود دارد که اخذ این تصمیم در گسترش جریان یادشده مؤثر بوده باشد. از سوی مقابل بعضی سیاست‌های فرهنگی داخلی مثل سختگیری در اعطای پروانه ساخت و نمایش به محصولات اجتماعی و انتقادی و البته دیگر عواملی که سینمای ایران را به دو نیمه ارگانی و کم‌دی تقسیم کرد، در این تحولات تأثیرگذار بود. حتی سختگیری در ارائه مجوز ساخت و نمایش به محصولات نمایش خانگی نیز که به عنوان محلی برای فعالیت درآمذزای سینماگران جریان سینمای اجتماعی شناخته می‌شود، از جمله سیاست‌های کانالیزور توسعه جریان سینمای زیرزمینی در ایران به‌شمار می‌آید.

بیننده در داخل؟

اگرچه می‌توان حدس زد هدف‌گذاری سرمایه‌گذاران خارجی این آثار و تولیدکنندگان داخلی یا خارجی آن‌ها معطوف به جشنواره‌های بین‌المللی است و بیشتر ابعاد سیاسی دارد، ولی این محصولات در داخل کشور نیز طیفی از مخاطبان را جلب می‌کند و بیشتر دارای ابعاد فرهنگی است. فیلم‌های زیرزمینی ایرانی یا فیلم‌های خارجی تولیدشده درباره ایران، از دو جهت برای قشری از بینندگان داخلی فیلم و سریال جذابیت دارد. نخست آن که در این آثار، تصویر جدید و متفاوتی از ایران ارائه می‌شود؛ تصویری که در آن زنان حجاب عرفی هم ندارند و خطوط قرمز رسمی و گاه عرفی را زیر پا می‌گذارند. این تصویر از نظر عده‌ای واقعی‌تر است و به علت تفاوت آن با فیلم‌های معمول ایرانی، کنجکاوای عده‌ای دیگر از مخاطبان را هم برمی‌انگیزد. دوم آن که پیام‌های سیاسی تند این آثار، طیفی از بینندگان را



که از نظر سیاسی و اجتماعی اعتراض دارند، جذب می‌کند. البته ناگفته نماند مدل مواجهه این آثار با مسائل سیاسی و اجتماعی، عموماً شعارزده، اغراق‌شده و دور از بیان هنری و در نتیجه دافعه‌برانگیز است؛ مثل همین فیلم دانه انجیر معابد، که بخش زیادی از آن را تصاویر مستند و البته گزینش‌شده از ناآرامی‌های ۱۴۰۱ تشکیل می‌دهد.

مرگ سینمای اجتماعی

نخستین پیامد انتشار داخلی آثار یادشده برای سینمای ایران، حتی پیش از آن که مقابله با هنجارهای رسمی و پذیرفته‌شده جامعه ایران مثل حرمت بی‌حجابی و شراب باشد، کاهش اهمیت نسبی سینمای اجتماعی رسمی و مجوزدار داخلی است؛ چراکه مخاطب عام هر دو نوع سینمای غیررسمی یادشده را از لحاظ حوزه مضمونی، هم‌ارز سینمای اجتماعی می‌داند و از سوی دیگر، این دو جریان به جذب سینماگران جریان سینمای اجتماعی می‌پردازند. آنچه گفته شد، در حالی است که هم‌زمان سینمای اجتماعی رسمی ایران با سختگیری مضمونی و محتوایی مواجه است تا به شکل ناخواسته، پاس‌گلی به حریف زیرزمینی یا خارج‌نشین آن داده شود. وضعیت کنونی، این بیم را ایجاد می‌کند که شاید در آینده‌های دور، مرجعیت سینمای ایران در زمینه مسائل اجتماعی نیز مانند برخی دیگر زمینه‌های رسانه‌ای و فرهنگی، از کشور خارج و اختیار آن به دست سینماگران خارج‌نشین و سیاسی‌کاری بیفتد که ذره‌ای برای منافع ملی ایران اهمیتی قائل نیستند. در شرایط حاضر اگر مدیران سینمایی کشور دارای درک درستی از تحولات بین‌المللی سینما و خصوصاً موقعیت ایران در سینمای جهان باشند و با راهکارهای احتمالی تغییر این شرایط آشنایی داشته باشند، تصمیم‌های ایشان می‌تواند راهگشا باشد. می‌توان احتمال داد شاید راند فریدزاده، رئیس کنونی سازمان سینمایی که پیش از این معاونت بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی را بر عهده داشته، بتواند در این مسئله تصمیم‌هایی راهگشا بگیرد.

«مجمع‌کاردینال‌ها»؛ روایتی از فراموش شدن اخلاق و ایمان در مسیحیت

مهران زارعیان

زارعیان معتقد است که «مجمع‌کاردینال‌ها» با عنوان کردن یک‌رشته مسائل مانند هم‌زیستی با مسلمانان در حد دیالوگ در سطح مانده و آن‌گونه که باید و شاید نتوانسته روی این موضوع مانور دهد و تأثیرگذار باشد.

وی افزود: فیلم در بخش اول، فعالیت خواهران کلیسا را نشان می‌دهد که کارهای مربوط به آشپزی و تشریفات کلیسا را انجام می‌دهند تا کاردینال‌ها در آرامش باشند. زمانی که می‌خواهد شخصیت کاردینال را معرفی دهد اولین نطق او دعا خواندن سر سفره است و در آخر هم برای خواهرانی که این سفره را آماده کردند دعا می‌کند و بلافاصله یک لیخند رضایت بر لب سرکارگر را نشان می‌دهد که معتقدم این قسمت از فیلم بدون دیالوگ نتوانسته اثرگذاری خود را داشته باشد.

فیلمساز و کارگردان کشورمان تصریح کرد: موافق این مسئله نیستیم که «مجمع‌کاردینال‌ها» وجه شناختی و اثرگذاری را نمی‌شناسد؛ چون برخی موضوعات را در سطح زیرتیر مطرح کرده و آن را خیلی باز نکرده است.

زارعیان مدل فیلمنامه «مجمع‌کاردینال‌ها» را به لحاظ روایی، مانند نمایشنامه‌ای توصیف کرد و گفت: این فیلم لوکیشن‌های محدود و فضای بسته‌ای دارد و شخصیت‌محور و بر مبنای معرفی شخصیت‌هاست و بیشترین شیوه پیشبرد روایت به لحاظ طولی و عرضی هم از طریق دیالوگ است که این در تناثر رایج است.

این فیلمساز و کارگردان در توضیح بیشتر گفت: همه نماینده‌های فکری این کلیسا اعم از شخصیت‌های مثبت و منفی در فیلم گویا درگیر یک دعوی قبیله‌ای و یک‌رشته لابی‌گری و دسیسه‌چینی می‌شوند تا ایده خود را به کرسی نشانند و برای آن حتی مرتکب کارهای غیراخلاقی مانند فساد مالی و زیرآب‌زنی هم می‌شوند. زارعیان موضع این فیلم را همدلی با جناح نواندیش و لیبرال کلیسا عنوان کرد و افزود: به نظر می‌رسد قالب فیلمنامه «مجمع‌کاردینال‌ها» شبیه‌نمایشنامه است.

وی متذکر شد: «مجمع‌کاردینال‌ها» اشاره جدی به مسئله ایمان شخصیت اصلی دارد که یک تردیدی در او شکل گرفته و اشاره می‌شود که پاپ قبلی هم این تردید را داشته است. این فیلم، مسئله کلیسا و مسیحیت را با پیش‌فرض‌ها و پیش‌داستان و نه دغدغه‌هایی که در شخصیت‌ها برای خود کلیسا وجود دارد و نه مجلس و ریاست‌جمهوری مطرح می‌کند؛ چون بحث دسیسه‌چینی و لابی‌گری برای مجلس و ریاست‌جمهوری یک موضوع ماهوی و قابل قبول است و اساساً ذات مجلس باید این‌طور باشد.

فیلمساز و کارگردان کشورمان گفت: فیلم «مجمع‌کاردینال‌ها» برای انتخاب پاپ به‌عنوان یک رهبر مذهبی از زاویه تزکیه نفس و معنوی شدن افراد ورود می‌کند و در درجه دوم به مسائل اجتماعی و مسائل روز جهان مسیحیت می‌پردازد که البته همه اینها از روی یک کتاب اقتباس شده است.

مهران زارعیان



فیلمساز و کارگردان در مصاحبه با برنامه «سینما زاویه» رادیو گفت‌وگو در تحلیل و بررسی فیلم «مجمع‌کاردینال‌ها» اظهار کرد: فیلم را دوست دارم و با این گزاره که فیلم یک دوقطبی تشکیل می‌دهد تا پاپ انتخاب شود و رهبری کاتولیک‌های جهان را بر عهده گیرد موافق نیستم. وی با بیان اینکه فیلم «مجمع‌کاردینال‌ها» در سطح نمانده است افزود: زیر متن فیلم بیش از اینکه جنبه ایدئولوژیک بلوک‌بندی‌های فکری کلیسای کاتولیک داشته باشد یک نوع دعوا بین زمین و آسمان است و در واقع این تلنگر را می‌زند که بحث اخلاقیات و ایمان که هدف اولیه و اصلی مسیحیت بوده فراموش شده و گویا دیگر هدف اصلی نیست.

آیا هوش مصنوعی می‌تواند بی‌طرف باشد؟

نرگس نراقی

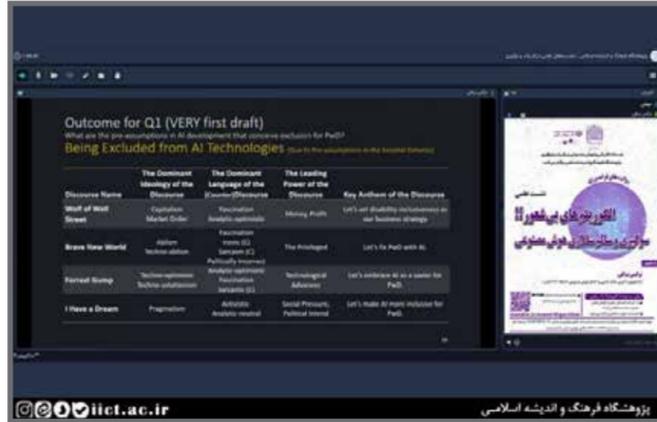
با توجه به تحولات شگرفی که توسط هوش مصنوعی در حوزه‌های مختلف به‌وجود آمده است، هسته‌های حکمرانی فضای مجازی و حکمرانی هوش مصنوعی مرکز رشد و خانه خلاق و نوآوری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، نشست‌هایی را تحت عنوان کارگاه دانش‌افزایی هوش مصنوعی برگزار می‌نمایند.

هشتمین جلسه از این کارگاه علمی - آموزشی که حول موضوع اخلاق هوش مصنوعی بود، با ارائه نرگس نراقی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و اخلاق هوش مصنوعی دانشگاه KIT آلمان) با عنوان «الگوریتم‌های بی‌شعور: سوگیری و سالم‌سازی هوش مصنوعی» و با حمایت سازمان توسعه همکاری‌های علمی و فناوریانه بین‌المللی معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری برگزار شد.

نراقی بحث خود را با این سؤال آغاز کرد که چرا ارزیابی فناوری (TA) لازم است؟ وی در پاسخ به این سؤال به سه دیدگاه مطرح در مواجهه نظام‌های اجتماعی و حقوقی با پیشرفت‌های فناوریانه اشاره کرد. اصل نخست، دیلمای الیگنریچ، به این امر اشاره دارد که در ابتدای مسیر توسعه فناوری عواقبی که فناوری برای جامعه می‌تواند داشته باشد مشخص نیست و بنابراین تغییرات در آن، به نحوی که برای جامعه کمترین آسیب را داشته باشد، مقدور نخواهد بود. اما پس از آن که این عواقب عریان شدند، فرصت برای تغییر فناوری از دست رفته است؛ چراکه در این نقطه فناوری در جامعه نهادینه شده است. مسئله هم‌قدم شدن بر این دلالت دارد که نظام‌های حقوقی و قانونی همواره با سرعتی کمتر از تحولات فنی رشد کرده و همواره از پیشرفت‌های تکنیکی عقب می‌مانند. موضوع سوم نیز اصل احتیاط‌گرا است که قائل به این است که تا زمانی که هنوز نمی‌دانیم فناوری چه عواقبی برای در جامعه دارد، نباید آن را توسعه دهیم. البته در عمل این اصل هرگز مورد استقبال توسعه‌دهندگان فناوری قرار نگرفت چراکه در اقتصاد بازار عمدتاً گفته می‌شود اصل بر سود است و اگر فناوری می‌تواند به خلق ثروت ملی منجر شود نباید به سادگی جلوی آن را گرفت.

دانشجوی دانشگاه KIT در ادامه به بیان چستی ارزیابی

فناوری پرداخت و در این خصوص گفت ارزیابی فناوری در ابتدا به‌عنوان یک علم شناخته نمی‌شده و صرفاً یک نهاد پژوهشی سیاسی برای تصمیم‌گیری آگاهانه در سطوح پارلمانی در خصوص مسائل فناورانه بوده است که در قالب دفتر ارزیابی فناوری (OTA) توسط مجلس آمریکا فعالیت می‌کرده است. این دفتر پس از مدتی به دلیل اختلافات حزبی در آمریکا بسته می‌شود اما دانشگاه پرینستون امتیاز گزارش‌های این دفتر را در اختیار مخاطبین عمومی قرار داده است. این گزارش‌ها از سایت زیر قابل دسترسی است:



نسبت داد. به‌عنوان مثال هوش مصنوعی اکنون با وجود داده‌هایی که منعکس‌کننده دنیای واقعی بوده، و خود دارای سوگیری هستند، برای یک مرد سفیدپوست انگلیسی‌زبان ساکن در نیمکره شمالی سالم جوان سوگیری داشته و در تصمیم‌گیری‌های خود برای این سوزره برتری قائل است. لذا باید در طراحی الگوریتم این اتفاق بیفتد که داده‌های زندگی همه گروه‌های اجتماعی برای یادگیری هوش مصنوعی بازتاب داده شود؛ زیرا الگوریتم اساساً بی‌شعور است و باید با آموزش شمول‌پذیر شود.

ادامه نشست با توجه به این که حوزه تحقیقاتی سخنران، شمول‌پذیری هوش مصنوعی برای افراد دارای معلولیت است، به این محث اختصاص یافت. وی برای مواجهه با این مسئله به تدقیق واژه توان‌یابی و معلولیت در رویکردهای مختلف پرداخت: رویکرد معنوی، رویکرد پزشکی، رویکرد اجتماعی، رویکرد مبتنی بر نقش، و در نهایت رویکرد اجتماعی - رابطه‌ای. بنا بر این رویکردها، این که چه فردی دارای معلولیت، یا توان‌یاب خوانده شود، بر اساس این مدل‌ها پاسخ داده می‌شود. در نهایت اینکه برای شمول‌پذیری هوش مصنوعی برای افراد دارای معلولیت، بسته به نوع فناوری (روبات‌های دستیار، یا مدل‌های زبانی یا غیره) هر یک از این مدل‌ها می‌توانند راهگشا باشند.

پژوهشگر حوزه اخلاق و جامعه‌شناسی هوش مصنوعی در بخش بعدی ارائه خود درباره انواع ارزیابی فناوری صحبت و به سه نوع مطرح آن یعنی پارلمانی، مشارکتی و برساختی اشاره کرد. سپس به بیان مسئله اصلی بحث یعنی سرکوب‌های الگوریتمی و لزوم توسعه هوش مصنوعی شمول‌پذیر پرداخت.

نراقی سه مورد از سرکوب‌های هوش مصنوعی را تحت عنوان الگوریتم‌های جنسیت‌زده، الگوریتم‌های نژادپرست و الگوریتم‌های سالم‌سالار برشمرد و عمده رفتارهای سوگیرانه هوش مصنوعی را به این سه نوع سرکوب‌های فناوریانه

چرا با فضای مجازی مخالفم؟

ابوالقاسم رجبی

رعایت کند. اما موضوعات مربوط به سایر بخش‌ها جداگانه ساماندهی باید شود. شورای عالی فضای مجازی هم با هر اسمی در موضوعات بین بخشی به تشریفات فنی لازم برای ارتقای منافع کلان نظام و جلوگیری از بخشی‌نگری ورود می‌کرد. اما در فقدان تقسیم کار شفاف اولیه خود مرکز ملی فضای مجازی هم به یکی از بازیگران سهم خواه مبدل شده است.

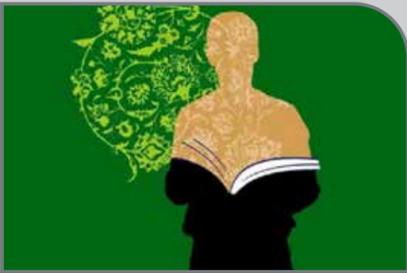
۳. تبارشناسی ناقص فضای مجازی

یک مدل از تبار سازی برای اصطلاح فضای سایبری که به غلط ترجمه شده فضای مجازی، این است که نیروی نظامی ایالات متحده آمریکا در طبقه بندی سازمان رزم خود فضای سایبر را یک فرماندهی واحد قرار داده است. اما باید توجه داشت که نیروی نظامی ایالات متحده آمریکا یازده فرماندهی واحد دارد که هفت مورد از آن‌ها مربوط به جغرافیا هستند مثل فرماندهی مرکزی که مرکز جهان از نظر آمریکایی‌ها یعنی ایران و اطرافش را پوشش می‌دهد و چهارتای آن کارکردی هستند. فرماندهی سایبری هم یک فرماندهی کارکردی است. فرماندهی حمل و نقل هم در ساختار ارتش آمریکا یک فرماندهی کارکردی مجزا است. فرماندهی عملیات ویژه هم که بخاطر شکست آمریکا از ایران در طیس تشکیل شد یک فرماندهی کارکردی دیگر آمریکاست. پس در ساختار رزم ایالات متحده آمریکا، فضای سایبری کارکردی طبقه بندی شده است. اینطور نیست که فضای سایبری که یک بخش کارکردی است همه بخش‌های دیگر را کنترل کند. چون فرماندهی واحد استراتژیک هم در ارتش آمریکا وجود دارد که برای امر راهبری ایجاد شده است. در تعریف سازمان ملی استاندارد ایالات متحده آمریکا از فضای سایبری هم آمده است که فضای سایبری یک حوزه جهانی درون محیط اطلاعاتی است که از شبکه دارای وابستگی متقابل از زیرساخت‌های سیستم‌های اطلاعاتی ایجاد شده



است که اینترنت، شبکه‌های مخابراتی، سیستم‌های رایانه‌ای، کنترل‌گرها و پردازنده‌ها را شامل می‌شود همانطور که مشاهده می‌شود فضای سایبری خود یک حوزه درون محیط اطلاعاتی است، اصطلاح محیط اطلاعاتی به مجموعه افراد، سازمان‌ها، سیستم‌ها و نظام‌هایی گفته می‌شود که اطلاعات گردآوری، پردازش و توزیع می‌کنند و بر اساس اطلاعات اقدام می‌کنند. به نظر می‌رسد، آنچه محیط اطلاعاتی مفهوم سازی شده است، چیزی جز جوامع بشری نیست. یعنی همانطور که یک جامعه را می‌شود بر اساس مناسبات اقتصادی مفهوم‌سازی کرد، براساس معماری اطلاعات هم می‌توان مفهوم سازی کرد. اما حتی وقتی بر اساس اطلاعات جوامع مفهوم سازی بشوند هم فضای سایبری در تقسیم کار دولتی از زاویه مجموعه زیرساخت‌های فنی این موضوع قابل ورود خواهد بود.

در تجربه کره جنوبی هم این اتفاق رخ داده است. یعنی کمیسیون ارتباطات کره جنوبی که زمان تشکیل شورای عالی فضای مجازی وجود داشت، مسئولیتش کارکردی بوده است. اینطور نبود که کل حوزه‌های دیگر حکومت را تابع یک بخش کنند. این موضوع را در یادداشت‌های بعدی بیشتر باز می‌کنم.



علوم انسانی در جامعه ایرانی جایگاه لازم را ندارد

عبدالرحمن حسینی‌فر

برنامه «در مسیر اندیشه» رادیو گفت‌وگو در رابطه با موضوع کاربردها و مصادیق علوم انسانی در سیاست‌گذاری با دکتر عبدالرحمن حسینی‌فر عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مصاحبه کرد.

حسینی‌فر با بیان اینکه علوم انسانی در جامعه ایران از همه نظر مظلوم و مهجور و بی‌پناه است گفت: باوجود توقعات بسیار بالایی که از علوم انسانی وجود دارد؛ اما علوم انسانی در ایران همچنان نهالی بیش نیست.

وی در تبیین ماهیت و قلمرو علوم انسانی افزود: علوم انسانی در معنای جدید به علم توجه دارد و دیدگاه علوم انسانی به حوزه‌های مختلف مانند روان‌شناختی، اقتصاد، سیاست، حقوق، ادبیات و فرهنگ و تاریخ و فلسفه کاملاً متفاوت از گذشته و متفاوت از نگرش کلاسیک علم است و تمرکز آن بر روی موضوع عینیت یا همان واقعیت فردی و اجتماعی انسان است.

عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، علوم انسانی را به‌عنوان عرصه‌ای از علوم تعریف کرد که مبتنی بر رویکرد و مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، روش‌شناسی و غایت‌شناسی متفاوت از تفکر کلاسیک است و افزود: کسی که در حوزه علوم انسانی کار تحقیقاتی و مطالعاتی می‌کند به‌عنوان یک‌عالم بافهم و نگرش جدیدی که نسبت به علم دارد معنای پدیده‌ها را درک می‌کند و اگر وارد فضای نقد شود هم رویکرد انتقادی را دنبال خواهد کرد.

حسینی‌فر تصریح کرد: ما از میراث تمدنی خود در حوزه علوم انسانی متأسفانه هیچ شناختی نداریم و اگر بخواهیم از میراث تمدنی خود بهره‌بریم ابتدا باید با تاریخ تمدن خود نسبت برقرار کرده و آن را فهم و درک کنیم.

وی همچنین در باب اهمیت علوم انسانی به عواقب بی‌توجهی و کوتاهی نسبت به علوم انسانی در جامعه نیز اشاره و اظهار کرد: در حال حاضر علوم انسانی در جامعه ایرانی جایگاه لازم را ندارد به دلیل اینکه هنوز بین تاریخ و دنیای جدید و مبانی آن نسبت برقرار نکردیم.

عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه این مطلب تأکید کرد: مواجهه ما با دنیای جدید باید یک مواجهه معرفتی باشد تا هم نسبت به تاریخ و هم نسبت به دنیای جدید شناخت داشته باشیم.

حسینی‌فر با طرح این سؤال که آیا در قانون عفاف و حجاب بحث‌های عرفی و جامعه‌شناختی و بحث‌های سیاسی هم دیده شده یا فقط به بحث‌های مذهبی پرداخته شده است گفت: اگر علوم انسانی در بحث قانون‌گذاری و سابقه تاریخی مهم باشد باید خروجی و سازوکار آن را در جامعه ببینیم؛ بنابراین اگر قانون‌گذاری ما مشکل دارد به این خاطر است که علوم انسانی در جامعه ما جایگاهی ندارد.

وی با بیان اینکه دولت‌ها و حکومت‌ها مصرف‌کننده و مشتری اصلی علوم انسانی هستند اظهار کرد: بیش از صدسال از اولین مدرسه علوم سیاسی در کشورمان می‌گذرد؛ اما در این سال‌ها حکومت هیچ‌وقت برای حل مشکلات خود به دانشگاه رجوع نکرده و دانشگاه‌ها با واقعیت عینی جامعه و سیاست‌گذاری ارتباطی ندارند.

عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو تصریح کرد: متأسفانه علم در جامعه ما نمایشی است و جایگاهی ندارد.

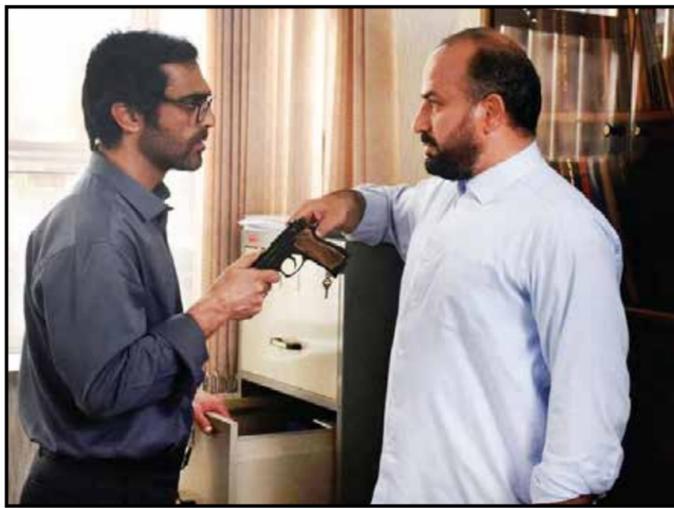
حسینی‌فر با بیان اینکه دانشگاه‌های کشورمان آمادگی لازم را برای حل مسائل و مشکلات جامعه ندارند گفت: دانشگاه‌ها زمانی می‌توانند پژوهش خوب انجام دهند و مشکلات جامعه را حل کنند که محل رجوع باشند و علم در صحنه عمل قرار گیرد؛ اما متأسفانه ما هنوز وارد نسل دانشگاه کارآفرین نشدییم؛ چون این نسل دانشگاه هنوز در جامعه ما موضوعیت ندارد و مدیریت نظام علم و جامعه و سیاستی که وجود دارد نیازی به رجوع به دانشگاه را احساس نمی‌کند.

وی در ادامه این بحث افزود: جامعه‌ای که مبانی تصمیم‌گیری و تحولات اجتماعی در آن ثروت و قدرت است مسلماً علم و دانشگاه در آن جامعه جایگاهی ندارد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیک و صفحه آرایی: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۱۸ - ۰۹۹۳۱۳۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۱۸
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۱۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



«مجمع کاردینال‌ها»: روایتی از فراموش شدن اخلاق و ایمان در مسیحیت

فیلم «مجمع کاردینال‌ها» برای انتخاب پاپ به‌عنوان یک رهبر مذهبی از زاویه تزکیه نفس و معنوی شدن افراد ورود می‌کند و در درجه دوم به مسائل اجتماعی و مسائل روز جهان مسیحیت می‌پردازد که البته همه اینها از روی یک کتاب اقتباس شده است.

جوکرتایم

شاید در آینده‌های دور، مرجعیت سینمای ایران در زمینه مسائل اجتماعی نیز مانند برخی دیگر زمین‌های رسانه‌ای و فرهنگی، از کشور خارج و اختیار آن به دست سینماگران خارج‌نشین و سیاسی‌کاری بیفتد که ذره‌ای برای منافع ملی ایران اهمیتی قائل نیستند.



جایزه خودسرانه در خواب فدراسیون و سازمان لیگ

شیوانوروزی

اهدای تندیس «بهترین مربی ماه» به سرمربی پرسپولیس برای همه عجیب بود، اما عجیب‌تر این است که همه فهمیدند دو تشکل به نام «کانون مربیان فوتبال ایران» وجود دارد و اتفاقاً مدعیانش سایه هم را با تیر می‌زنند. روز جمعه، درست وقتی فدراسیون و سازمان لیگ خواب بودند، کانون مربیان طی اقدامی خودجوش یا بهتر است بگوییم خودسر در نشست خبری پیش از دیدار پرسپولیس - نساجی اقدام به اهدای جایزه به خوان کارلوس گاریدو کرد، آن هم تحت این عنوان که او بهترین مربی آبان‌ماه لیگ‌برتر بوده است! بعد از اینکه برخی در فضای مجازی به تندیس‌های به‌به و چه‌چه گفتند، تازه همه یادشان افتاد که گاریدو چرا و چطور بهترین مربی ماه شده و اصلاً کانون مربیان کجای فوتبال ماست و چه اختیاری دارد که بهترین مربی را انتخاب کند. مسئولیت برگزاری نشست‌های خبری پیش از مسابقات لیگ‌برتر با سازمان لیگ است، ولی نمی‌دانیم چرا بعد از جنگالی که به راه افتاد، دوستان در این سازمان واکنشی به این مسئله نشان ندادند. از طرفی فوتبال ما فدراسیون عرض و طوبی دارد که به خودش چند ستاره هم داده است! حالا بیایند و بگویند چطور پای کانون مربیان به نشست خبری باز شده و چه کسی یا کسانی با چه متر و معیاری اقدام به انتخاب بهترین مربی ماه آبان کرده‌اند؟! اگر قرار به تقلید از لیگ انگلیس و دیگر لیگ‌هاست، لاقلاً اصولی تقلید کنید تا اینگونه حاشیه‌ساز نشوید. تاکنون سابقه نداشته هر ماه بهترین مربی انتخاب شود و باید قبل از آن در مورد ملاک و شرایط آن توضیحات دقیقی ارائه می‌شد. اگر هم یک‌شبه تصمیم به این کار گرفته‌اید، مگر فدراسیون و سازمان لیگ با کمبود نیرو، کارشناس یا بودجه مواجهند که مسئولیت به کانون مربیان سپرده شده؛ شواهد و قرائن نشان می‌دهد این کانون رأساً اقدام به این کار کرده و هیچ توضیحی هم

در مورد چرایی کار و نحوه انتخاب مربی برتر نداده است. تا جایی که ما اطلاع داریم پرسپولیس در ماه گذشته دو پیروزی و یک شکست در لیگ و یک تساوی هم در لیگ نخبگان کسب کرده است. وای به حال فوتبال باشگاهی‌مان که بهترین مربی ماهش فقط دو بار طعم برد را چشیده است. برسیم به بحث کانون مربیان؛ دو گروه از مربیان و فوتبالی‌ها دور هم جمع شده و تشکلی به نام کانون مربیان فوتبال ایران را ثبت کرده‌اند. تأکید می‌کنیم دو گروه، یعنی دو تشکل هم‌نام وجود دارد که مجوز یکی را اتاق بازرگانی صادر کرده و دیگری را وزارت کشور. حالا گروه اول جایزه‌ای را که گروه دوم به گاریدو داده به سخره گرفته و طی یک بیانیه کل تشکل‌شان را زیر سؤال برده است. گروه دوم نیز بیکار ننشسته و یک بیانیه تند و تیز علیه رقیب صادر کرده است. همین چند خط را که بخوانید متوجه می‌شود نهن‌ها اصل انتخاب گاریدو زیر سؤال است، بلکه باید در خصوص اصالت و وجاهت «کانون مربیان» نیز شک کرد. کانونی که معلوم نیست با این همه مخالف و دودستگی چطور مجوز گرفته، قطعاً صلاحیت انتخاب برترین‌ها را نیز ندارد. طراحان این موضوع و اهدای جایزه به گاریدو قطعاً هدفی نداشتند، جز مطرح کردن نام کانون مربیان، چراکه انتخاب‌شان مبنای حرفه‌ای نداشته و با یک حساب و کتاب ساده مشخص می‌شود که ماه گذشته عملکرد سرمربیان تراکتورسازی و سپاهان از گاریدو هم بهتر بوده؛ این وسط انفعال فدراسیون و سازمان لیگ روی اعصاب جامعه فوتبال و هواداران است. با این همه ادعا و هیاهو نمی‌توانند از مدیریت یک نشست خبری برآیند و به‌راحتی به نهادها و تشکل‌های معلوم‌الحال اجازه عرض‌انداز می‌دهند. جالب اینکه چنین جایزه‌ای برای برخی اهمیت هم دارد و بابتش برای رقبا کری می‌خوانند.

قهرمانی کاروان ایران



■ برای نخستین بار در تاریخ؛ قهرمانی کاروان ایران در بازی‌های آسیایی ورزش‌های ناشنوایان ۲۰۲۴

در فاصله یک روز مانده به پایان دهمین دوره بازی‌های آسیایی ناشنوایان در مالزی، کاروان ورزش ایران قهرمانی خود را در این بازی‌ها قطعی کرد. کاروان ایران که با شعار «فریاد صلح در سکوت» در این دوره بازی‌های آسیایی شرکت کرده است، این قهرمانی را با مجموع ۶۰ مدال شامل ۲۴ طلا، ۱۶ نقره و ۲۰ برنز به دست آورد.



هنگام رفاه و تنگدستی اتفاق کن
و خشنوت را فرو بر، و گذشت کن...
که از نشانه‌های نیکوکاران است.
(سوره آل عمران، آیه ۱۳۴)

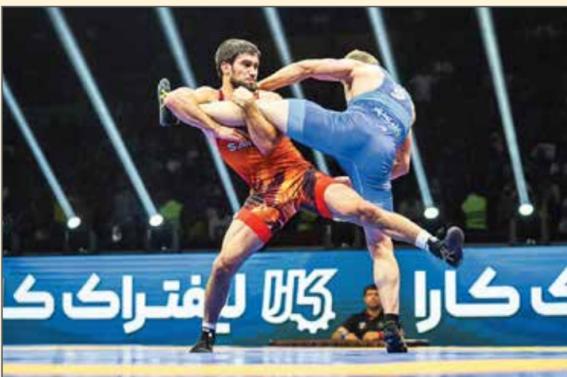
کسب بالاترین درجه داوری جهان



دور کوراش ایران در رقابت‌های جهانی مغولستان موفق به کسب بالاترین درجه داوری جهان شد
در جریان برگزاری مسابقات کوراش نوجوانان، جوانان و پیشکسوتان قهرمانی جهان که از تاریخ ۲ الی ۸ دسامبر در شهر اولان باتور مغولستان برگزار شد؛ داور بین‌المللی کشورمان امیرعباس رنجکش با رتبه عالی موفق به کسب بالاترین درجه داوری جهان شد.
با توجه به قوانین جدید وضع شده توسط فدراسیون جهانی کوراش، رنجکش علاوه بر این عنوان مجوز ورود به رنکینگ بازی‌های آسیایی ناگویا ژاپن را کسب کرد.

باشگاه‌ها به خاطر نتیجه کشتی را خراب نکنند

فریدون حسن



سال قبل ۱۴۵ میلیارد تومان بود و امسال خیلی بیشتر شد که البته آمار دقیق را رئیس سازمان لیگ باید اعلام کند. اما همین که قرارداد ۴۰ میلیونی کشتی‌گیران افزایش چشمگیری داشته بسیار خوب است. البته من بارها گفته‌ام که ما کار زیاد داریم و این تازه شروع آن است.»

دبیر در خصوص عملکرد ضعیف برخی چهره‌های کشتی‌گیر هم گفت: «کامران قاسمپور بعد از شرکت در سه تورنمنت سنگین به این مسابقات آمد و اتفاقاً خوب هم بود. امیرمحمد یزدانی هم همین شرایط را داشت. البته یک مسئله در این میان وجود دارد و آن تغییر وزن کشتی‌گیران است که از سوی باشگاه‌ها صورت می‌گیرد. لیگ خوب است، اما نباید وزن‌ها زیاد جابه‌جا شود. باشگاه‌ها نباید به‌خاطر تیم‌شان آینده کشتی را خراب کنند. ما باید خیلی کار کنیم. من هنوز هم می‌گویم که خیلی عقب هستیم. لیاقت و ظرفیت کشتی ایران خیلی بیشتر از این حرف‌هاست.»
وی با اشاره به درخواست میزبانی ایران برای برگزاری مسابقات جهانی گفت: «هنوز به جمع‌بندی کامل نرسیده‌ایم. البته ما تلاش خود را انجام می‌دهیم، اما کار بسیار سختی است، چون مسابقات جهانی شرایط خاص خودش را دارد و ما قطعاً با مشکل برگزاری هم‌زمان مسابقات آقایان و بانوان مواجه می‌شویم. بنابراین مسابقات باید در دو کشور برگزار شود. همین مسئله و برخی مسائل دیگر کار را بسیار سخت می‌کند.»
رئیس فدراسیون کشتی در پاسخ به سؤالی در خصوص وضعیت حسن یزدانی و ادامه حضور او در کشتی گفت: «تمرینات و نحوه آماده‌سازی یزدانی را با دقت زیر نظر داریم. برای او دو مرحله فیزیوتراپی در نظر گرفته شده که مرحله اول در شهرستان است. یزدانی بعد از سپری کردن این مرحله باید به تهران بیاید و زیر نظر خود ما در

رقابت‌های لیگ برتر کشتی آزاد ایران شامگاه جمعه با قهرمانی تیم سایپا به پایان رسید. سایپا در دیدار نهایی موفق شد تیم بانک شهر را با حساب ۶ بر ۴ شکست دهد و مقام قهرمانی را از آن خود کند. در دیدار رده‌بندی هم ستارگان پارس ساری با همین نتیجه صنایع غذایی معینی‌پور را شکست داد و بر سکوی سوم مسابقات تکیه زد.

حضور کشتی‌گیران خارجی در ترکیب تیم‌های راه‌یافته به نیمه‌نهایی و مسابقه فینال باعث شده بود تا انگیزه کشتی‌گیران حاضر در دو رقابت فینال و رده‌بندی بیشتر از قبل شود و همین مسئله سطح بازی‌ها را بسیار بالا برده بود. در نهایت رقابت‌ها با برتری سایپا تمام شد، اما حرف‌های رئیس فدراسیون کشتی در پایان این رقابت‌ها بسیار مهم بود. حرف‌هایی که نشان از تلاش فدراسیون برای ساختن آینده کشتی ایران داشت. حرف‌هایی که هم نکات فنی در آن وجود داشت و هم مباحث مدیریتی از انتقاد بابت فن خوردن کشتی‌گیران تا تلاش برای به دست آوردن میزبانی و کرسی‌های بین‌المللی. علیرضا دبیر، رئیس فدراسیون کشتی در پایان این مسابقات با اشاره به سطح فنی بالای مسابقات و حضور کشتی‌گیران خوب خارجی در لیگ ایران گفت: «حضور کشتی‌گیران خارجی، به‌خصوص روس‌ها در مسابقات لیگ باعث می‌شود کشتی‌گیران ما در مصاف با آنها محک جدی بخورند و در مسابقات بین‌المللی با نحوه و نوع کشتی آنها آشنا باشند. همین امروز من شاهد بودم که کشتی‌گیران روس ۱۱ یا ۱۲ بار به کشتی‌گیران ما فن «دست تو» زدند. همین مسئله باعث می‌شود کشتی‌گیرانمان در مسابقات جهانی و المپیک با این شگرد آشنا شوند و به راحتی فن نخورند.»

رئیس فدراسیون کشتی در ادامه به سطح بالای مسابقات لیگ اشاره کرد و گفت: «لیگ را هر سال محکم‌تر از سال قبل برگزار خواهیم کرد. امسال گردش مالی خوبی داشتیم،

خانه کشتی مرحله دوم را آغاز کند. او باید به مرور در تمرینات حاضر شود تا ببینیم وضعیتش چگونه است، آیا می‌تواند کشتی بگیرد یا نه، اما آنچه فعلاً مشخص است اینکه یزدانی حداقل یک سال دیگر از میادین دور خواهد بود.»
دبیر در پایان به اهمیت کسب کرسی‌های بین‌المللی در کشتی هم اشاره کرد: «برای نایب‌رئیس کنفدراسیون کشتی آسیا ثبت‌نام کرده‌ام و باید منتظر باشیم تا ببینیم نتیجه چه می‌شود.»